

گزارش «هفت صبح» از طرح مجلس برای کاهش سقف مهریه از ۱۱۰ به ۱۴سکه

مهریه و چالش تعیین سقف حق زنان

● مخالفان هشدار می دهند کاهش سقف مهریه، امنیت مالی زنان را در صورت طلاق تضعیف می کند

● موافقان طرح معتقدند کاهش مهریه فشار اقتصادی روی مردان را کمتر کرده و ازدواج را تسهیل می کند **صفحه ۶**



از پشت چشم های غمگین

روایت های یک درمانگر از جلسات مشاوره با دختران نوجوان در جنوب شهر تهران

دخترانی که بار نفرت را به دوش می کشند

دانشگاه و به ویژه دانشگاه های برتر را سرکوب کرده اند. از همین رو اغلب یا کاسبی خُرد را به عنوان شغل برگزیده اند یا کارگر هستند یا حقوقی حداقلی که امکان برآوردن آرزوهای فرزندان که هیچ، امکان رفع نیازهای ضروری آن ها را هم نمی دهد. و این چنین فقر در جلسه درمان ظاهر خشن خود را نشان در مانگری می دهد که تصویری می کند صرفاً با کاربست آموزه های روان شناسختی می تواند اضطراب و افسردگی و ده ها مشکلی که سلامت روان را تهدید می کند در میان کند. البته که درمان امکان پذیر است اما به شرطها و شروطها. درمان به ویژه در این مرکز نیاز به یک گروه دارد. روانشناس، روان پزشکی، مددکار اجتماعی، پرستار روانی. اما نگاه مدیران به این مرکز چنین است که روانشناس به تنهایی امر درمان را پیش ببرد. امری محال یا حداقل بسیار سخت. مشکل دیگر مراجع واقعی است. در اغلب موارد والدین درمانده و مقاوم به درمان، فرزندان را برای درمان می آورند در حالی که آن که بیمار است این فرزند نیست. خود والدین هستند که تا متوجه می شوند باید در درمان شرکت کنند فرار را بر قرار ترجیح می دهند و حتی دیگر فرزندان شان را هم برای درمان نمی آورند. به گفتگوی زیر که بخشی واقعی از یکی از جلسات درمانی با این گروه از والدین است توجه کنید تا عمق مقاومت را دریابید. درمانگر: از چه زمانی پر خاشکری های دخترتان شدید شده است؟ پدر: از زمانی که دخترم پس از مدت ها نزد همسر سابقم (مادر دختر) رفت و با یک جن برگشت. این موضوع شدیدی؟ پدر: شما جن را دیدید؟ از کجا متوجه این موضوع شدید؟ پدر: روزی یکی از خویشاوندانمان که در این زمینه مهارت دارد، به خانه آمد و متوجه این موضوع شد و جن را از خانه بیرون کرد. درمانگر: پس چرا هنوز پر خاشکری های دخترتان ادامه دارد؟ نامادری: به این دلیل که به صورت مداوم انرژی منفی از سمت مادر دختر به سوی خانه ما منتقل می شود. درمانگر: خوب، اگر به نظرتان مشکل این است چرا به من مراجعه کرده اید؟ باید پیش رمال یا دعانویس بروید. من تخصصی در این زمینه ندارم. **ادامه در صفحه ۶**

گزارش

شکست الگوی حفاظت فیزیکی از جنگل ها، راه نجات عرصه های ملی در فناوری است

جنگل های هیرکانی زیر بال پهبادها

رئیس سازمان منابع طبیعی: نمی توان با افزایش نیروی انسانی جلوی تخریب جنگل ها را گرفت

انسانی، سوداگران چوب را جسورتر کرده و عرصه را برای قاچاق و تخریب باز گذاشته است. از همین رو کارشناسان محیط زیست پیشنهاد می کنند سرمایه گذاری در حوزه فناوری را جایگزین تجهیز جنگلیانان به سلاح کنیم. پهبادها، دوربین های دید در شب و حسگرهای هوشمند نه تنها میدان دید گسترده تری دارند، بلکه در صورت بروز تخلف، مستندات دقیقی ارائه می دهند و از درگیری های خطرناک انسانی جلوگیری می کنند. استان مازندران به عنوان یکی از مهم ترین کانون های جنگل های هیرکانی، با بیش از ۶۶۰ هزار هکتار جنگل، مرع و ساحل تحت پوشش اداره کل منابع طبیعی نوشهر، نقش ویژه ای در این فرایند دارد. این ناحیه نه تنها به لحاظ زیست محیطی بلکه در زمینه گردشگری نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و ورود فناوری می تواند منجر به پایداری منابع در آمدی و حفظ سرمایه طبیعی برای آیندگان شود. از منظر توسعه پایدار جنگل های هیرکانی تنها منبع تولید اکسیژن یا سد طبیعی در برابر سیلاب ها نیستند، بلکه فرصت های بی نظیری برای گردشگری و ایجاد اشتغال در نوار شمالی کشور فراهم کرده اند. ورود گردشگر به این مناطق در صورت مدیریت صحیح می تواند به جای آسیب به نگهدایی برای این گنجینه های سبز بدل شود. تیموری خواستار پیگیری جدی تر وضعیت سختی کار جنگلیانان شد و وعده داد که سازمان تحت مدیریتش از تلاش برای بهبود معیشت آنان دست نخواهد کشید. شاید پرواز پهبادها بر فراز درختان انجیلی و شمشاد، آغاز عصر تازه ای در حفاظت از طبیعت ایران باشد. عصری که در آن، جنگلیان به جای مبارزه با تیر، تصویر دقیق از بالا دارد و به جای تهدید از پشت دوربین نظارت می کند. این رویکرد جدید نه تنها می تواند جان جنگلیانان را حفظ کند، بلکه شاید آخرین امید برای نگهداری از میراث ۴۰ میلیون ساله ای باشد که نفس های زمین از آن برمی خیزد.



مقابله با قاچاقچیان چوب و متجاوزان به اراضی ملی را ندارد، بلکه جان جنگلیانان را نیز در خطر انداخته است. خشونت علیه جنگلیانان در سال های اخیر به ویژه در استان هایی مانند مازندران، شدت گرفته است. حملات با سلاح گرم، تیر، داس و حتی تهدید خانواده های جنگلیانان، آنها را نه فقط با مخاطرات فیزیکی بلکه با فشارهای روانی سنگین روبه رو کرده است. کارشناسان، استفاده از فناوری را راهی برای رهایی جنگلیانان از این رویارویی های مستقیم می دانند. راهی که شاید بتواند به کاهش خشونت در جنگل های هیرکانی منجر شود.

جنگل های هیرکانی که به تعبیر بسیاری از کارشناسان، فسیل های زنده اند، بیش از ۴۰ میلیون سال قدمت دارند و بازمانده دوران سوم زمین شناسی اند. این جنگل ها که بین ایران و جمهوری آذربایجان مشترک هستند، از جنوب دریای خزر آغاز می شوند و تا ارتفاع ۲۸۰۰ متری ادامه می یابند. از ۵۵ هزار کیلومتر مربع وسعت اولیه این اکوسیستم، تاکنون ۵۱ درصد نابود شده و تنها ۱۰ درصد آن تحت حفاظت قرار دارد.

تنوع زیستی بی نظیر این جنگل ها، آنها را در شمار غنی ترین اکوسیستم های جهان قرار داده است. بیش از ۲۹۰ گونه پرنده، حدود ۶۰۰ گونه پستاندار، ۶۷ گونه ماهی و ۱۵۰ گونه درختی و بوته ای در این جنگل ها زیست می کنند. گونه هایی مانند خرس قهوه ای، مرال، گربه وحشی، قرقاول خزری، درخت انجیلی و شمشاد، تنها بخشی از گنجینه زنده هیرکانی اند.

اما حفاظت از چنین ثروت عظیمی بسا کمتر از استاندارد جهانی نیروی انسانی، مأموریتی تقریباً غیرممکن است. به عنوان نمونه در شهرستان بابل به ازای هر ۴ هزار هکتار جنگل، تنها یک جنگلیان مشغول به کار است. در حالی که استاندارد جهانی یک جنگلیان برای هر هزار هکتار است. این کمبود نیروی

وقتی نام جنگل های شمال ایران به میان می آید، ذهن بسیاری از ما به یاد توده ای سبز از درختان بلند، مه صبحگاهی، صدای پرندگان و عطر نم خاک می افتد. اما در دل این زیبایی بکر، داستانی تلخ از تجاؤز، قاچاق چوب و خشونت علیه مدافعان طبیعت جریان دارد. حالا ممکن است با پرواز پهبادها بسر فراز درختان کهنسال هیرکانی به فصل تازه ای برسد. دیروز در نشست شورای حفاظت از عرصه های ملی در چالوس، علی تیموری، رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور اعلام کرد که با وجود ۵ هزار و ۸۰۰ نیروی حفاظتی در عرصه های ملی، حفاظت فیزیکی دیگر پاسخگوی نیاز امروز منابع طبیعی نیست. او از حرکت سازمان به سوی بهره گیری از فناوری های نوین مانند پهباد، دوربین های دید در شب و هوش مصنوعی خبر داد. تحولی که می تواند نقطه پایان بسیاری از چالش های فرساینده گذشته باشد. تیموری با اشاره به تجربه کشورهای پیشرفته در این زمینه گفت: «حتی اگر نیروهای حفاظتی را دو برابر کنیم، باز هم به تنهایی قسار نخواهیم بود امنیت جنگل ها را تأمین کنیم. تنها راه حل موثر به کارگیری ابزارهای نوین و به روز است.» او تأکید کرد که نیروهای جدید حفاظتی نیز باید با کیفیت و آموزش دیده باشند و استخدام آن ها باید از طریق آزمون های رسمی انجام شود.

این تغییر رویکرد تنها به ابزارهای مراقبتی محدود نمی شود. تیموری بر لزوم تحول در سیاست گذاری های مرتبط با جنگل کاری و نیز واگذاری اصولی تفرجگاه ها به بخش خصوصی تأکید کرد. به گفته او اگر ایسن واگذاری ها بدون نوآوری و هماهنگی با اهداف حفاظتی سازمان انجام شود، نه تنها سودی نخواهد داشت، بلکه ممکن است موجب تخریب بیشتر منابع طبیعی شود.

اما آنچه این نشست را به نقطه عطفی در رویکردهای منابع طبیعی بدل کرد، پذیرش شکست آشکار مدل سنتی حفاظت فیزیکی بود. مدلی که نه تنها توانایی



ناکارآمدی سموم و تله ها در مهارش های غول پیکر پایتخت

موش های تهران پادشاهی می کنند

با وجود مصرف سالانه ۱۰ تن سم، آمار دقیقی از کنترل موش ها وجود ندارد. منطقه ۵ و ۴ بیشترین شکایت را ثبت کرده اند

بازخوانی جنایت مرگبار در خیابان گل سرخ؛ محاکمه گلفروش دوره گرد متهم به قتل سه مرد جوان

متهم می گوید دفاع کرده اولیای دم خواستار قصاص اند

گزارشی از ترسناک ترین اتاق های فرار جهان که با سناریوهای روانی، جلوه های سینمایی و بازیگران زنده، ترس را واقعی می کنند



فقط ۱۱ درصد واکن های مسافری کشور بیمه شخص ثالث دارند

وقتی قطار بیمه ندارد خطر همیشه سوار است

● برخی شرکت ها به جای بیمه شخص ثالث از بیمه های جایگزین یا پوشش محدود استفاده می کنند
● ترکیب اعضای کمیسیون حوادث راه آهن می تواند تعارض منافع در تعیین مسئولیت ایجاد کند

صفحه ۲



سوسک های سایبورگ در راهند

پژوهشگران اوزاکا با کلاه خودهای کوچک، حشرات را بدون جراحی و آسیب به مأموریت می فرستند

صفحه ۱۲

ملاقات محرمانه هنری کیسینجر و کنت والتز با عباس عراقچی

● دیدار وزیر امور خارجه ایران با مشاوران آمریکایی در ذهن یک نویسنده

صفحه ۳

سفر به دنیای ارزان ترین ماشین های جهان خودروهایی زیر ۳۰۰۰ دلار

● ماشین هایی که قیمت شان باور نکردنی است، اما برای میلیون ها نفر در کشورهای مختلف جهان کلید حرکت و زندگی روزمره به شمار می روند



صفحه ۸

خرید پراپهام دو فروند ایرباس؛ شفافیت بدون مستندات

شفافیت زمین گیر شد

خرید هواپیمای بدون انتشار کامل اطلاعات مالی با اصول شفافیت در تضاد است

وزارت راه و شهرسازی دولت چهاردهم اخیرا از ورود دو فروند هواپیمای ایرباس ۳۳۰-۲۰۰ ساخت سال ۲۰۱۲ به ناوگان شرکت هواپیمایی ایران ایر خبر داد و این اقدام را یکی از دستاوردهای مهم حوزه هوایی کشور معرفی کرد. این وزارتخانه همچنین با تأکید بر «شفافیت» در روند خرید، اعلام کرد که این فرآیند بدون هیچگونه انحرافی از قیمت نهایی انجام شده اما نکته مهم این است که در حالی ادعای شفافیت مطرح شده، جزئیات دقیق و کامل هزینه‌ها به صورت رسمی و مستند ارائه نشده و تنها برخی ارقام یا خرید اعلام شده است.

براساس اطلاعات رسمی منتشر شده، مجموع هزینه خرید این دو فروند هواپیمای به همراه چهار موتور اضافه حدود ۱۰۶ میلیون دلار بوده است. در این گزارش آمده است که قیمت هر موتور هواپیمای را حدود ۱۵ میلیون دلار در نظر گرفته‌اند که مجموع هزینه موتورها به حدود ۶۰ میلیون دلار می‌رسد. بنابر این، پس از کسر مبلغ مربوط به موتورها، قیمت دو فروند هواپیمای حدود ۴۶ میلیون دلار برآورد شده که به عبارتی حدود ۲۳میلیون دلار برای هر فروند است. این ارقام در مقایسه با قیمت هواپیماهای نو از همین نوع که بیش از ۲۲۸ میلیون دلار اعلام شده، نشان‌دهنده خرید هواپیماهای دست‌دوم با قیمتی بسیار پایین‌تر است.

وزارت راه در حالی قیمت هواپیمای دست‌دوم را پایین‌تر از نو اعلام کرده که در بازار هوایی نیز چنین تفاوتی وجود دارد. قیمت هواپیمای دست‌دوم که سرحال‌تر باشد، ۲۰ تا ۴۰ میلیون دلار و هواپیمایی با سن خریدهای اخیر، ۲۰ تا ۲۵ میلیون دلار است. هواپیمای دست‌دوم پس از سال‌ها استفاده فرسوده شده و استهلاک قطعات حیاتی آن به مراتب بیشتر است. هواپیماهای نو از جدیدترین فناوری‌ها، تجهیزات پیشرفته و استانداردهای به‌روز زیست‌محیطی و ایمنی بهره می‌برند که مدل‌های قدیمی‌تر فاقد آن هستند. همچنین هواپیمای نو همراه با ضمانت تولیدکننده، خدمات پس از فروش و پشتیبانی کامل عرضه می‌شود که هزینه‌های بیشتری به آن می‌افزاید، در حالی که خرید هواپیمای دست‌دوم معمولا مستلزم صرف هزینه‌های بیشتر برای تعمیرات و نگهداری است. بازار فروش هواپیماهای دست‌دوم محدود و رقابتی است و صرفا کشورهایی مانند ایران، چین هواپیماهایی را خرید می‌کنند. چه بسا اگر تحریم‌های ایران نبود، چنین هواپیماهایی راهی جز گورستان هواپیمای نمی‌یافتند.

با وجود این، مسئله اصلی این است که مبالغ یادشده فقط قیمت پایه خرید را شامل می‌شود و هزینه‌های ناشی از تحریم‌های بانکی و صنعت هوایی کشور، مانند هزینه‌های نقل و انتقال پول، آماده‌سازی هواپیماها و تحویل نهایی آنها در ایران، در این ارقام لحاظ نشده‌اند. مسئولان وزارت راه و شهرسازی به صورت کلی اعلام کرده‌اند که این هزینه‌های جانبی و شفاف، در صد قابل توجهی به قیمت تمام‌شده افزوده اما هیچ رقم یا جزئیات مستندی درباره میزان این هزینه‌ها ارائه نشده است.

در واقع، استفاده از واژه «شفافیت» در چنین شرایطی می‌تواند محل بحث و انتقاد باشد. شفافیت در قراردادهای بزرگ دولتی به معنای انتشار کامل و دقیق اطلاعات مالی، قراردادی و عملیاتی است تا امکان بررسی و نظارت عمومی و کارشناسی فراهم شود. ارائه صرف این واژه بدون ارائه مستندات و داده‌های قابل رصد، به نوعی ادعایی غیرمستند تلقی می‌شود و نمی‌تواند جایگزین اطلاع‌رسانی دقیق و جامع باشد.

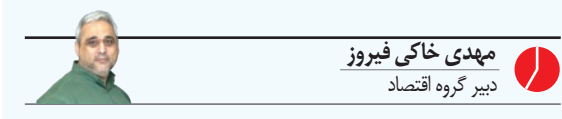
از وزارت راه و شهرسازی و شرکت هواپیمایی ایران ایر انتظار می‌رود برای ایجاد شفافیت واقعی و رفع نگرانی‌های موجود، جزئیات کامل‌تری از هزینه‌ها و روند خرید منتشر کنند. انتشار اطلاعات مستند و قابل استناد به بهبود اعتماد عمومی کمک می‌کند.

نیم خند

مردی که با تورم ازدواج کرد

قسمت سوم – سالگرد ازدواج در سایه رکود

با تمام این مشکلات، او هر روز بیدار می‌شد و به کار و زندگی ادامه می‌داد. شاید این بزرگ‌ترین شگفتی زندگی با تورم باشد



مهدی خاکی فیروز

دبیر گروه اقتصاد

سال‌ها از آن روزی که تورم به زندگی او وارد شد گذشت. حالا دیگر خبری از آن شور و هیجان روزهای اول نبود. تورم مثل یک همسر همیشه همراه شده بود؛ نه مهربان، نه بخشنده، فقط ثابت و طاقت‌فرسا. هر سال که می‌گذشت، سالگرد این ازدواج نه با یک جشن، بلکه با قبض‌های سنگین‌تر و فهرست خریدی کوتاه‌تر، برگزار می‌شد. هر بار به پول داخل کیفش نگاه می‌کرد، حس می‌کرد دست‌هایش کوچک‌تر شده‌اند و اسکناس‌ها از جیبش فرار می‌کنند. کم‌کم رکود هم به زندگی‌شان با گذاشت، مثل مهمان ناخوانده‌ای که بدون دعوت وارد خانه شود و بماند. این رکود که مثل فرزند این زندگی مشترک بود، وزن کیف پولش را سبک‌تر کرد و روحش را هم خسته‌تر. در اوج این وضعیت، دیگر خبری از خریدهای ساده و بی‌دغدغه نبود. همه چیز پیچیده‌تر و گران‌تر شده بود، انگار هر کالا، نشانه‌ای از درد مشترک زندگی آنها بود.

او در این سال‌ها فهمیده بود عشق به تورم یعنی عشق به ناپایداری، زندگی مثل راه رفتن روی سطح لغزنده بود، جایی که هر قدم را باید با دقت برداشت و با هر لرزشی تعادل را از دست داد. درآمدها ثابت مانده بودند، قیمت‌ها به سرعت بالاتر می‌رفتند و او هر روز تلاش می‌کرد جلوتر برود اما بیشتر حس می‌کرد عقب می‌رود.

در این سال‌ها، «حمل» به تنها مهارت واقعی تبدیل شده بود. تحمل قبض‌های برق که هر ماه بیشتر می‌شد، تحمل صف‌های طولانی خرید که هنوز هم ادامه داشت، تحمل حرف‌های خسته‌کننده درباره سیاست‌های اقتصادی و وعده‌هایی که هرگز عملی نشدند.

این ازدواج از سال‌های اولش عبور کرده بود و حالا در فاز جدیدی قرار داشت؛ فازی که می‌شد آن را «زندگی در سایه رکود» نامید. نه آن عشق اولیه بود و نه امیدی به تغییر سریع. فقط یک سازگاری آرام، یک تسلیم تلخ که نمی‌توانست راحت ترک شود.

او دیگر یاد گرفته بود که نمی‌شود فرار کرد. هر چند وقت یک بار اخبار را می‌خواند، قیمت دلار را نگاه می‌کرد و آهی می‌کشید. می‌دانست این داستان شاید تا سال‌ها ادامه داشته باشد، مثل یک نمایش تلخ که هر فصلش پر از اتفاقات ناگوار است.

اما با تمام این مشکلات، او هر روز بیدار می‌شد و به کار و زندگی ادامه می‌داد. شاید این بزرگ‌ترین شگفتی زندگی با تورم باشد؛ این که در میان تمام سختی‌ها، آدم هنوز به ایستاده و تلاش می‌کند نفس بکشد. تلاش می‌کند دواور کند که فردایی هم هست و شاید روزی این ازدواج با یک طاق شیرین به پایان برسد.

اقتصاد

جوابیه سازمان شیلات به گزارش هفت‌صبح

دفاع شیلات از صید ترال

● سازمان شیلات: ترال فی نفسه مخرب نیست. اگر درست مدیریت شود، می‌تواند اشتغال‌زا و اقتصادی باشد.

صیدهای غیرمجاز و روش‌های غیراستاندارد، عامل اصلی بحران ذخایر آبزی هستند

به دنبال انتشار گزارشی با عنوان «جاشوهای خانه‌نشین / ترال کشی روی سفره مردم» در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ در روزنامه هفت‌صبح، روابط عمومی سازمان شیلات، جوابیه‌ای را ارسال کرد. متن کامل این جوابیه به شرح زیر است: «برنامه مدیریت ماهیگیری در ایران از نظر میزان برداشت و زمان برداشت هر ساله براساس آمار و اطلاعات و نتایج مطالعات ارزیابی ذخایر آبزیان با هماهنگی موسسه تحقیقات علوم شیلاتی کشور تنظیم و برنامه‌ریزی می‌شود و بر این اساس تصمیم‌گیری لازم در خصوص مدیریت صید شامل زمانبندی، مقدار مجوز سالانه و زمان دریا بست و غیره تصمیم‌گیری و اجرا می‌شود و در این فرایند، کلیه ملاحظات اجتماعی و اقتصادی و معیشت صیادان مد نظر قرار می‌گیرد. هر روش صیدی در صورتی که از استانداردهای لازم مدیریت صید برخوردار نباشد، می‌تواند آسیب‌هایی را به ذخایر آبزی و اکوسیستم وارد کند، بنابراین روش صید ترال هم مشابه هر روش صید دیگری نمی‌تواند فی‌نفسه مخرب باشد و اطلاق

عام صید ترال به عنوان صید مخرب کاملاً غیرکارشناسی و غیرعلمی بوده و طرح چنین موضوعی نیز درهیچ یک از مراجع معتبر تخصصی و علمی مورد تایید نیست بنابراین لازم به یادآوری است که هیچ همپوشانی میان صید ترال در آب‌های عمیق با سایر روش‌های صید در آب‌های سرزمینی و ساحلی وجود ندارد. امروزه به‌منظور کاهش فشار صیادی در آب‌های ساحلی و تعدیل تلاش صید در صیدگاه‌های نزدیک به ساحل، برنامه‌ریزی بهره‌برداری از ذخایر صیدگاه آب‌های عمیق و نیمه عمیق ضرورت دارد تا از فرصت‌های برداشت آبزیان ارزشمند صیدگاه‌های مربوطه به نحو احسن استفاده و فرصت تولید، اشتغال و ارزآوری آن تقویت شود. اما متأسفانه صیادی غیرمجاز و روش‌های مخرب مانند صید شب چراغی و دیگر روش‌ها و ابزارهای غیرقانونی موجب آسیب به ذخایر و کاهش ذخایر ارزشمند اقتصادی خلیج‌فارس و دریای عمان شده و هر ساله نیز رو به ازدیاد است. سازمان شیلات ایران، در راستای تکالیف و مسئولیت‌های تعریف شده در قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبزی و

احترام به نهاد تخصصی، انتظار برای گفت‌وگوی شفاف

روزنامه هفت‌صبح ضمن قدردانی از پاسخ رسمی و کارشناسی سازمان شیلات ایران به گزارش «جاشوهای خانه‌نشین» ترال کشی روی سفره مردم»، این فرصت را مغتنم می‌شمارد تا بر نقش اساسی نهادهای تخصصی در مدیریت منابع دریایی تأکید کند.نگارش این جوابیه تخصصی و انتشار آن، به معنای استقبال همزمان سازمان شیلات و روزنامه از گفت‌وگو و تضارب آرا در حوزه‌های مهم معیشتی، زیست‌محیطی و اقتصادی است.

❗ **ترال: مسئله اجرا، نه صرفا تعریف علمی**

در متن پاسخ، تأکید شده که روش صید ترال در ذات خود مخرب نیست. این نکته از دیدگاه نظری و در چارچوب مدیریت علمی صید، قابل درک است اما تجربه میدانی، مشاهدات صیادان و گزارش‌های ارسالی صیادان محلی از سواحل جنوبی، بیانگر آن است که مسئله اصلی، در نحوه اجرا و نظارت دقیق بر اجرای این روش نهفته است. هر گونه تعارض میان استانداردهای نظری و اجرای عملی، آسیب‌هایی غیر قابل جبران برای ذخایر آبزی به همراه دارد.
آنطور که صیادان محلی می‌گویند، بخش مهمی از عملیات ترال به‌ویژه در مناطق کمتر پایش‌شده، فاقد اجرای کامل استانداردهای زیست‌محیطی و زمانی است. بنابر این، پرسش اصلی این است که چه نظارت مؤثری بر نحوه اجرای ترال در عمل صورت می‌گیرد؟ به همین دلیل به سازمان شیلات پیشنهاد می‌شود اسامی شرکت‌ها و مختصات دقیق موقعیت‌های مجاز ترال را منتشر کند تا امکان راستی‌آزمایی برای رسانه‌ها و جامعه مدنی فراهم باشد. می‌دانیم که در بسیاری از کشورها به‌ویژه در اروپا، اجرای ترال تحت محدودیت‌های جدی زمانی، مکانی و اکولوژیکی است. حتی برخی کشورها مناطق حساس و مرزهای ممنوعه برای ترال تعریف کرده‌اند. آیا چنین محدوده‌هایی در خلیج فارس و دریای عمان هم به‌روشنی مشخص شده‌اند؟ و اگر بله، چگونه نظارت می‌شود؟

❗ **هم‌شنوایی با صیادان محلی**

در گزارش پیشین، دغدغه‌ها و کلافه‌های صیادان سنتی و جاشوهای خانه‌نشین بازتاب یافته بود. شاید از دید نهادهای رسمی، این روایت‌ها گاه‌احساسی یا غیرمستند به نظر برسند، اما از نگاه رسانه، این صداها بخش مهمی از واقعیت اجتماعی ساحل‌نشینان هستند که نباید نادیده گرفته شوند. امید است در سیاست‌گذاری‌های آتی، صدای این گروه‌های ذی‌نفع، بیش از گذشته شنیده شود.

❗ **شفافیت، راه‌حل پایدار**

در پاسخ ارسالی، به وجود آمار و مطالعات تخصصی اشاره شده است. ارائه عمومی این اطلاعات، نقش مؤثری در اقناع افکار عمومی، رسانه‌ها و فعالان حوزه محیط‌زیست خواهد داشت. انتشار عمومی گزارش‌های ارزیابی ذخایر آبزیان، نحوه صدور مجوزها و نظارت بر ناوگان صید، به اعتمادسازی بیشتر میان جامعه و نهادهای تخصصی می‌انجامد.

❗ **پیشنهاد برای گفت‌وگوی ملی درباره صید**

صید صنعتی و سنتی، بهره‌برداری و حفاظت، اشتغال و محیط‌زیست، همه اجزایی از یک پازل پیچیده هستند. هفت‌صبح آمادگی دارد میزگرد یا گفت‌وگویی چندجانبه با حضور نمایندگان سازمان شیلات، صیادان محلی، کارشناسان دانشگاهی و فعالان زیست‌محیطی برگزار کند تا از تقابل بین حاصل روایت‌ها برهیز و بر یافتن راه‌حل‌های مشارکتی تمرکز کند. ما همگی در یک قایق نشستیم؛ امید است گفت‌وگو، جایگزین سوءتفاهم شود.

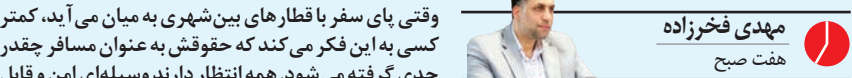


گزارش دو

فقط ۱۱درصد واکن‌های مسافری کشور بیمه شخص ثالث دارند

وقتی قطار بیمه‌ندارد، خطر همیشه‌سوار است

برخی شرکت‌ها به جای بیمه شخص ثالث از بیمه‌های جایگزین یا پوشش محدود استفاده می‌کنند
ترکیب اعضای کمیسیون حوادث راه‌آهن می‌تواند تعارض منافع در تعیین مسئولیت ایجاد کند



مهدی فخرزاده

هفت صبح

اعتماد باشد اما حقیقت تلخی پشت این سفرها پنهان است: فقط ۱۱درصد از واگن‌های مسافری بین‌شهری کشور بیمه شخص ثالث دارند. این عدد یعنی چه؟ یعنی اگر اتفاق ناگوار ی بیفتد، اکثریت قریب به اتفاق مسافران ممکن است از حقوق قانونی خود محروم شوند یا درگیر پروسه‌های پیچیده جبران خسارت شوند. ارائه این آمار از زبان مهدی قصیریان مدیرعامل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به ما گوشزد می‌کند که حقوق مسافران قطارهای بین‌شهری به درستی رعایت نمی‌شود.

ماجرای آنجا شروع می‌شود که در نگاه اول، ناوگان ریلی کشور ظاهر نسبتاً خوبی دارد؛ بیش از ۹۶درصد از لکوموتیوها و بین‌شهری بیمه شخص ثالث دارند اما متأسفانه فقط ۱۱ درصد از واگن‌های مسافری متصل به این لکوموتیوها از چنین پوششی برخوردارند. ۱۵درصدم واگن‌های باری بیمه شخص ثالث دارند که آن هم اصلاًرقم قابل توجهی نیست. این یعنی در مواجهه با حادثه‌ای که ممکن است برای یک واگن مسافری رخ دهد، حمایت حقوقی و مالی از مسافران بسیار محدود است.

مدیرعامل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در گفت‌وگو با ایسنا توضیح می‌دهد که قانون بیمه اجباری شخص ثالث برای وسایل نقلیه ریلی شامل واگن‌های مسافری و باری، از سال ۱۳۹۵ به تصویب رسیده اما اجرا ی آن دچار مشکلاتی بوده است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی این عدم استقبال صاحبان واگن‌های مسافری و باری، ترس از هزینه‌های اضافی نیست بلکه باور اشتباهی است که ضریب خطر و احتمال بروز حادثه در شبکه ریلی بسیار پایین است. این تصور غلط باعث شده که تعداد واگن‌های بیمه‌شده بسیار اندک باقی بماند.

اما سؤال اصلی اینجاست: آیا این طرز تفکر، به نفع مسافران است؟ قطعاً نه. در واقع، اگر یک حادثه غیرمترقبه در قطار رخ دهد، تبعات جبران‌ناپذیری برای جان، سلامتی و دارایی مسافران دارد. هزینه‌های درمانی، دبه و خسارات دیگر



بیمه‌هایی مثل بیمه مسئولیت یا بیمه حمل و نقل جایگزین آن می‌شوند که سقف تعهد آنها محدود است. برای مثال، بیمه مسئولیت معمولاً تا سقف تعهد برای پنج نفر را پوشش می‌دهد، در حالی که یک واگن مسافری ظرفیت بسیار بیشتری دارد. این موضوع به معنی آن است که اگر حادثه‌ای رخ دهد، بسیاری از مسافران در مقابل خسارات احتمالی بیمه‌ای، حمایتی نخواهند داشت.

با یاد از جیب خود هزینه‌ها را تأمین کنند یا یک روند حقوقی پیچیده و طولانی مواجه شوند. یکی از نمونه‌های درنکاد در این زمینه، حادثه قطار مشهد-طبرس در سال ۱۴۰۱ بود که نشان داد نبود پوشش بیمه شخص ثالث برای واگن‌ها چه مشکلات جدی ایجاد می‌کند. در این حادثه، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مجبور شد خسارت‌ها را پرداخت کند و سپس پیگیر بازپس‌گیری وجوه از مالک ناوگان باشد. این شیوه نه تنها فرآیند جبران خسارت را برای مسافران طولانی و پرهزحمت می‌کند بلکه نشان می‌دهد ضعف در پوشش بیمه‌ای چطور به حقوق مسافران آسیب می‌زند.

قصیریان به نکته مهمی اشاره می‌کند: بر خلاف خودروها یا موتوسیکلت‌ها که معمولاً دارندگان آنها اشخاص حقیقی هستند و ممکن است به دلایل اقتصادی از خرید بیمه سر باز زنند، ناوگان ریلی کشور عمدتاًمتعلق به دولت و شرکتهای خصوصی است. این یعنی اینکه نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی مسئولیت دارند که حقوق مسافران را رعایت کنند و نسبت به ایمنی و پوشش بیمه‌ای وسایل نقلیه‌ای که در اختیار دارند، حساس باشند.

یکی دیگر از نکات مبهم و گمراه‌کننده در نظام فعلی، پوشش بیمه‌ای جایگزین است که برای واگن‌ها تهیه می‌شود. واگن‌ها بدون بیمه‌نامه شخص ثالث نمی‌توانند فعالیت کنند اما غالباً

هم نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت فرار کند.

وقتی نوبت به حقوق مسافران می‌رسد، هیچ بهانه‌ای پذیرفتنی نیست که بیمه شخص ثالث برای واگن‌ها تهیه نشود. این امر نه تنها امنیت حقوقی مسافران را تضمین می‌کند بلکه موجب افزایش سطح ایمنی و مسئولیت‌پذیری صاحبان ناوگان نیز خواهد شد. همچنین، در صورت بروز حادثه، فرآیند پرداخت خسارت سریع‌تر و کم‌درستر انجام می‌شود و مسافران نگران پیگیری‌های طولانی نخواهند بود.

مدیرعامل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی هشدار می‌دهد که در حال حاضر، اگر دارنده وسیله نقلیه ریلی بیمه شخص ثالث نداشته باشد و حادثه‌ای رخ دهد، صندوق خسارت را پرداخت می‌کند ولی سپس از طریق حکم قضایی نسبت به بازپافت وجوه پرداختی از سبب زیان اقدام می‌کند. این روند برآز پیچیدگی و تأخیر است و در نهایت مسافران آسیب‌دیده را گرفتار مشکلات می‌کند.

حق طبیعی هر مسافر این است که هنگام استفاده از خدمات حمل‌ونقل ریلی، از پوشش حقوقی و بیمه‌ای کامل برخوردار باشد. حقوقی که شامل جبران کامل خسارات بدنی، درمانی و مالی باشد و بتواند آرامش خاطر را در طول سفر تضمین کند. وقتی این حقوق در عمل نادیده گرفته می‌شود، مسافران به‌عنوان بزرگ‌ترین ذی‌نفعان شبکه ریلی، تنها قربانیان این بی‌توجهی خواهند بود. بنابر این لازم است مدیران شرکت‌های ریلی، دولت، بیمه مرکزی و نهادهای نظارتی با همفکری و اقدام فوری، نظام بیمه‌ای را اصلاح کنند. باید ساز و کارهای الزام‌آور برای تهیه بیمه شخص ثالث واگن‌ها تعریف شود، نرخ‌های عادلانه و متناسب با ریسک‌های واقعی تعیین شود و فرآیند پرداخت خسارت به مسافران ساده و شفاف باشد. همچنین باید نظارت دقیق‌تری بر کمسیون‌های رسیدگی به حوادث راه‌آهن اعمال شود تا تضاد منافع برطرف و عدالت در پرداخت خسارات رعایت شود.

در نهایت، آنچه روشن است، این است که حقوق مسافران قطارهای بین‌شهری نباید فدای مسائل بروکراتیک، ضعف اطلاع‌رسانی یا سهل‌انگاری در اجرای قوانین شود. مسافرانی که ساعتی را در قطار می‌گذرانند، انتظار دارند نه فقط به مقصد برسند بلکه در برابر خطرات احتمالی، حمایت کامل قانونی داشته باشند. اگر چنین چیزی محقق نشود، سفر با قطار همچنان در هاله‌ای از ناامنی حقوقی باقی خواهد ماند و این به نفع هیچ کس نیست؛ نه مسافران، نه صاحبان ناوگان و نه دولت.

گزارش

راه سوم مکرون برای تعادل قدرت

در رقابت شدید آمریکا و چین در هند-اقیانوس آرام، فرانسه با «راه سوم» به دنبال نقش میانجی و تعادل است



رامین لطیفی
دبیر سرویس بین‌الملل

سفر اخیر امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه به ویتنام، اندونزی و سنگاپور در اواخر می ۲۰۲۵، بخشی از استراتژی گسترده فرانسه برای تقویت حضور خود در منطقه هند-اقیانوس آرام و ارائه یک گزینه جایگزین به کشورهای منطقه در برابر رقابت فزاینده بین آمریکا و چین است. مکرون در دیدار با مقامات ویتنامی، از جمله رئیس‌جمهور ویتنام، فرانسه را به عنوان «قدرتی صلح‌طلب و متعادل» معرفی کرد که به دنبال گفت‌وگو، همکاری‌های چندجانبه و تقویت ثبات منطقه‌ای است، نه تقابل با انزوای سیاسی. این موضع‌گیری در راستای دکترین «راه سوم» فرانسه قرار دارد که به دنبال ایجاد تعادل بین دو قطب قدرت جهانی، یعنی ایالات متحده و چین است. در جریان سفر به ویتنام، فرانسه و این کشور ۱۴ توافق‌نامه همکاری در زمینه‌های دفاعی، هوانوردی، انرژی‌های پاک، بهداشت فناوری امضا کردند. یکی از مهم‌ترین توافق‌ها، قرارداد خرید ۲۰ فروند هواپیمای ایرباس ای ۳۳۰ توسط شرکت هواپیمایی ویت‌جیت بود که نشان‌دهنده تعهد فرانسه به گسترش روابط اقتصادی با کشورهای جنوب شرق آسیا است. علاوه بر این، مذاکراتی برای همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای غیرنظامی و فناوری‌های فضایی نیز انجام شد که نشان‌دهنده تنوع‌بخشی به روابط دو جانبه است. فرانسه همچنین در تلاش است تا با تقویت روابط با اعضای اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN)، مانند اندونزی و سنگاپور، نقش خود را به عنوان شریکی قابل اعتماد در منطقه تثبیت کند. تأکید مکرون در اندونزی بر تقویت همکاری‌های دفاعی، از جمله فروش زیر دریایی‌های کلاس اسکورپنه و توسعه زیرساخت‌های بندری و در سنگاپور، تمرکز بر فناوری‌های پیشرفته و همکاری در حوزه هوش مصنوعی و امنیت سایبری می‌باشد که نشان‌دهنده رویکرد فرانسه به ترکیب توانمندی‌های اقتصادی و فناوری در دیپلماسی منطقه‌ای است.

حضور نظامی و اقتصادی فرانسه در منطقه

فرانسه با داشتن سرزمین‌های فرادریایی در اقیانوس‌های هند و آرام، از جمله کالدونیای جدید، پلی‌نزی فرانسه، رئونین و جزایر مایوت، دارای یکی از بزرگ‌ترین مناطق اقتصادی انحصاری (EEZ) در جهان است که مساحتی بالغ بر ۱۱ میلیون کیلومتر مربع را دربرمی‌گیرد و ۹۳ درصد آن در منطقه هند-اقیانوس آرام واقع شده است. این حضور جغرافیایی به فرانسه امکان می‌دهد تا نقش کلیدی در امنیت دریایی، مبارزه با دزدی دریایی، حفاظت از محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی ایفا کند. برای مثال، فرانسه از طریق همکاری با هند و اندونزی در ابتکارانی مانند «ابتکار اقیانوس هند» (Indian Ocean Rim Association) به حفاظت از منابع دریایی و مسیرهای تجاری کمک می‌کند. از نظر نظامی، فرانسه حدود ۷ هزار نیروی نظامی دائمی در منطقه مستقر کرده و ناوگان دریایی خود را با حضور ناو هواپیمابر شارل دوگل تقویت کرده است. این ناو به‌طور منظم در ماموریت‌های چندملیتی، از جمله رزمایش‌های مشترک با کشورهای هند، ژاپن، استرالیا و حتی آمریکا، شرکت می‌کند. علاوه بر این، فرانسه



آخرالزمان ناامیدکننده؛ ریزش بینندگان قسمت پایانی سریال «آخرین بازماندگان ما»



قسمت پایانی فصل دوم سریال «آخرین بازماندگان ما» (The Last of Us) با سقوطی چشمگیر در میزان تماشاگر روبه‌رو شد. این اپیزود تنها ۳.۷ میلیون بیننده داشت، یعنی ۵۵ درصد کمتر از اپیزود پایانی فصل اول که ۸.۱ میلیون نفر را پای تلویزیون نشانده. هرچند اچ‌بی‌وی می‌گوید آمار تماشای آنلاین و تأخیری ممکن است تا پایان تعطیلات رشد کند اما واکنش‌های منفی کاربران شبکه‌های اجتماعی کار را برای سریال سخت کرده است. بسیاری این اپیزود را «ناامیدکننده»، «فتضاح» و حتی «بدترین پایان قابل قبول» نامیده‌اند. صحنه تقابل «الی» و «ابی» پس از مرگ یکی از شخصیت‌های اصلی که از بازی ویدیویی اقتباس شده، برای گروهی از هواداران، وفاداری به منبع اصلی تلقی شد و برای گروهی دیگر، تکرار یک اشتباه. با این حال، اچ‌بی‌او اعلام کرده که میانگین بینندگان فصل دوم به ۳۷ میلیون رسیده و از فصل اول هم عبور کرده است. در میان این واکنش‌ها، کریگ میزین، شورانر سریال هم وعده داده که داستان در فصل سوم با جذابیت و خلافت فراوان ادامه می‌یابد و حتی احتمال ساخت فصل چهارم نیز وجود دارد. حالا باید دید آیا این سریال جنجالی در فصل آینده دوباره دل مخاطبان را به‌دست می‌آورد، یا مسیرش به پایان نزدیک شده است.



شیر یا خط‌پنیر!

در مسابقه برهیجان و سنتی «پنیر غلطان» گلاستر، جوانی اهل مونخ برای دومین سال پیاپی پنیر را از انگلیسی‌ها ربود

زحمت کشیدم، زندگیمو گذاشتم کف دست. دو سال پیاپی مال منه!»

عقل جا می‌ماند

رقابت از آنجا شروع می‌شود که داور پنیر را در سراسیمگی هل می‌دهد و بعد، ده‌ها نفر از زن و مرد، با کفش‌هایی که بیشتر شبیه ابزار خودکشی‌اند، مثل گلوله از سراسیمگی سُر می‌خورند، می‌افتند، می‌چرخند، فریاد می‌زنند و با صورت به خاک می‌غلطند و همه برای گرفتن چیزی که هیچ‌کس به راحتی نمی‌تواند بگیرد: یک قالب گرد پنیر که از آنها جلوتر است! این رقابت به‌قدری خطرناک است که امدادگران با برانکار در پایین تپه‌منتظر می‌ایستند. هر سال چندین شرکت‌کننده با شکستگی، در رفتگی و ضرب‌دیدگی راهی بیمارستان می‌شوند.

سنتی به قدمت قرن‌ها و جنونی جهانی

گفته می‌شود مسابقه پنیر غلطان ریشه‌ای در آیین‌های

اگر فکر می‌کنید پنیر خوردن فقط کار صبحانه است، کافی‌ست سسری به تپه «کوپرز هیل» در جنوب انگلستان بنزید؛ جایی که صدها نفر جان‌شان را کف دست می‌گیرند تا یک قاب گرد پنیر ۸ پوندی را که به سرعتی معادل ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت پایین می‌غلند، به چنگ آورند. امسال هم طبق رسم هر ساله، این تپه در نزدیکی روستای ترویکوثر در گلاسترشر، میزبان یکی از دیدنی‌ترین رویدادهای دنیا بود: «مسابقه پنیر غلطان». البته باید بگوییم که باز هم قهرمان از راه دور آمد. توم کوپیک، یوتیوبر ۲۳‌ساله اهل مونخ، برای دومین سال پیاپی خودش را از بالای شیب ۵۰ درجه‌ای به پایین پرت کرد تا پنیر سنتی «دابل گلاستر» را به چنگ آورد. کوپیک بعد از عبور از خط پایان با صورتی خاکی، زانوپی زخمی و پنیر در آغوش، با افتخار فریاد زد: «منزمو خاموش کردم و فقط رقتم پایین. امسال شیب خشک‌تر و خطرناک‌تر بود، خیلی‌ها آسیب دیدن. ولی این پنیر مال منه. براش



ملاقات محرمانه هنری کیسینجرو

کنت والتز با عباس عراقچی

دیدار وزیر امور خارجه ایران با مشاوران آمریکایی در ذهن یک نویسنده



محسن عسکری جهفی

عضو هیات علمی دانشکده علوم سیاسی تهران جنوب

آمریکایی، از جمله سخنان استیو ویتکاف که بر برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران تأکید داشت، سخنان تند سخنگوی وزارت خارجه که مذاکرات را به یک نشست مقدماتی تقلیل داد، همچنین اظهارات مارکو روبیو که احتمالاً خواستار رویکرد سخت‌گیرانه‌تری است، بخشی از یک استراتژی دیپلماتیک پیچیده است که هدف آن کسب حداکثر امتیاز در مذاکرات تا استانه درگیری است. از درپچه نئورئالیسم کنت والتز، آمریکایی‌ها می‌کوشند با توسل به این ترفندها برتری خود را در توزیع قدرت جهانی حفظ کنند. اگر والتز را هم به اتاق مذاکرات دعوت کنیم او نیز به عباس عراقچی می‌گوید: «آقای وزیر! در یک نظام آنارشیک، دولت‌ها از ابزارهایی مانند دیپلماسی، فشار، و ایجاد ابهام برای تضعیف رقبا استفاده می‌کنند. سخنان ضدونقیض مقامات آمریکایی با ایجاد عدم قطعیت، ایران را تحت فشار قرار می‌دهد تا در مذاکرات امتیازات بیشتری واگذار کند.» والتز معتقد است این رفتار بازتابی از تلاش آمریکا برای مدیریت توازن قدرت در خاورمیانه و جلوگیری از ظهور ایران به‌عنوان یک قدرت رقیب است. تأکید ویتکاف بر «برچیدن برنامه هسته‌ای» و تهدیدهای ضمنی سخنگوی کاخ سفید درباره تحریم‌های جدید، نشانه‌هایی از قدرت‌نمایی هستند که هدفشان محدود کردن توانایی ایران برای گسترش نفوذ منطقه‌ای و حفظ هژمونی آمریکا است. این درحالی است که مقامات آمریکایی هم‌زمان مذاکرات رم را «سازنده» توصیف کرده‌اند، راه را برای مصالحه باز می‌گذارند. هنوز تحلیل کیسینجر و والتز برای آقای عراقچی تمام نشده بود که خبر آمد: «دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در جمع خبرنگاران اعلام کرد که مذاکرات بسیار خوبی با ایران انجام شده و اخبار مثبتی از مذاکرات می‌آید. اجازه بدهید ببینیم چه اتفاقی می‌افتد اما من فکر می‌کنم ما می‌توانیم اخبار خوبی از جانب ایران بشنویم. من نمی‌دانم چیزهای خوب یا بدی به شما خواهیم گفت اما احساس می‌کنم که چیزهای خوبی در این باره به شما خواهیم گفت.» کیسینجر احتمالاً با شنیدن این خبر لبخند زسان به آقای عراقچی می‌گوید: «گفتمت آقای وزیر! ترکیب قطعیت و انعطاف‌پذیری نمونه‌ای از دیپلماسی رئالیستی است که در آن

نظم آشوبناک!

در جهانی که نظم آنارشیک «کنت والتز» بر آن حاکم است، دولت‌ها برای بقا و حفظ جایگاه خود در نظام بین‌الملل به تعادل‌بخشی قدرت روی می‌آورند. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران آن را «یکی از حرفه‌ای‌ترین دوره‌های مذاکراتی» خواند و از ارائه پیشنهادهای جدید سخن گفت، همچنین یک مقام ارشد آمریکایی مذاکرات را «سازنده» توصیف کرد و از پیشرفت‌های بیشتر خبر داد. این تحولات، که با میانجی‌گری عمان پیش می‌رود، نمونه آشکاری از تلاش ایران و آمریکا برای مدیریت تنش‌ها و ایجاد تعادل در یک نظام آنارشیک است. به باور هنری کیسینجر، دیپلماسی موفق نیازمند مدیریت انتظارات و بهره‌گیری از میانجی‌گری برای کاهش پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک است.

حفظ انسجام راهبردی

جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته نشان داده که قادر است در لحظات بحرانی، از سیاست‌های به‌ظاهر انعطاف‌ناپذیر به تصمیم‌هایی عمل‌گرایانه چرخش کند. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای پایان جنگ با عراق، مذاکرات منجر به برجام، احیای روابط با عربستان سعودی، نمونه‌هایی از این سیاست است. ایران با تأکید بر حق غنی‌سازی و رفع تحریم‌ها، به دنبال حفظ استقلال خود به‌عنوان قدرت منطقه‌ای است. کنت والتز این رویکرد را بازتابی از تلاش تهران برای ایجاد تعادل برابر هژمونی آمریکا در یک نظام آنارشیک بین‌المللی می‌داند. در این وضعیت آمریکا چگونه بازی می‌کند؟

ضدونقیض‌گویی مقامات آمریکایی؛ ترفند یا آشفتگی؟

توصیف دور پنجم مذاکرات به‌عنوان «سازنده» ازسوی یک مقام ارشد آمریکایی و اذعان به «پیشرفت بیشتر» در مقایسه با سخنان ضدونقیض قبلی مقامات آمریکایی مانند اظهارات تند سخنگوی وزارت خارجه یا استیو ویتکاف نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری تاکتیکی و آشنگتن است. این رفتار واکنش‌گن یک استراتژی دیپلماتیک برای کسب امتیاز بیشتر از سوی آمریکا است تا ضمن تحت فشار گذاشتن تهران از تشدید تنش جلوگیری کند. احتمالاً اگر کیسینجر در اتاق عراقچی بود به او می‌گفت: «آقای وزیر خراج! این رفتار ترکیبی از نمایش قدرت و نرمش است که برای حفظ ثبات در دیپلماسی ضروری است. همین که مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم شما با آمریکایی‌ها بیش از چندین ساعت طول می‌کشد جدیت آمریکا در پیگیری توافقی محدود را نشان می‌دهد.» در واقع اظهارات متناقض مقامات

«بامداد خمار»

«سووشون»

آغاز گرمسیر تازه

سینما و ادبیات

● فیلمسازان برای یافتن
سوزه‌های سریال‌های خود
صفحه حوادث رسانه‌ها را مرور
می‌کنند

● اگر اقتباس ادامه یابد
سینمای ایران می تواند
در سطح جهانی
بدرخشد

سازار و نمایی و خبر بخش آن اعلام شد. سال هاست منتقدان و پژوهشگران حوزه فرهنگ و هنر با حسرت از گنجینه فراموش شده ادبیات داستانی ایران سخن می گویند. ذخایری بی نظیر از زبان و داستان هایی که هر یک قابلیت تبدیل شدن به فیلم ها و سریال های ماندگار را دارند. با این وجود در تمام سال های گذشته، سینما و تلویزیون چنان که باید و شاید از این منبع غنیتر از تراق نکرده اند. حالا اما نشانه هایی از تغییر در راه سیاست های همچون «بامداد خمار» و «سوشون» و تقیاسی از آثار شاخص ادبیات معاصر که آماده بخش از شبکه نمایش خانگی اند. همچنین پروژه هایی چون باز آفرینی رستم و سهراب در قالب اثر سینمایی، خبر از جنب و جوش تازه ای می دهند. گویی فیلم سازان به اهمیت آثار ادبی پیش از پیش پی برده اند.

شاید یکی از مهم ترین دلایل این باشد که ره‌مان نویسی در ایران در شکل گرفت. همین تأخیر سبب ازدیادیت و سینما مانا شد و گفت و گو چندانی نداشت. نکته دیگر تأسیس انجمن حقوق آثار خاصی چون «کلیدر» اثر محمود دولت آبادی، «سفوفی» مرگان، عباس معروفی یا «جزیر» سرگردانی» سیمین دانشور خلق شد. بهر سبب، حقوقی و تولیدی لازم برای اقتباس آن‌ها وجود نداشت. عامل دوم، بهرور کراسی پیچیده و نبود قوانین شفاف درباره حقوق مولفان و ناشران است. بسیاری از نویسندگان در دلیل نبود ساز کار مطمئن برای اقتباس، تاکنون حاضر به انگاری حقوق آن‌ها خود نبوده‌اند یا به‌روزه‌ها و پیچ و خم مجوزها و اختلافات حقوقی متوقف می‌شدند. هر چند این گونه‌ها نبوده که سینما چندان خود را، از دنیای اقتباس ادبیات محروم کند. تأسیس «انجمن فیلم «گلو» اثر اردویش مهرابی بر گفته‌های کشاد «ابرار دالان» اثر غلامحسین ساعدی در زمان خود یک شاکل محسوب شد.

حالا با ظهور پلتفرم‌ها و گستره نمایش خانگی معادله تغییر کرده است. رقابت شدید برای جذب مخاطب، تولیدکنندگان را به این نتیجه رسانده که برای دوام و بازآر، باید سراغ فضاهای خصوصی و شناخته شده بروند. از این رو، اقتباس از رمان‌ها که هم ساختار روایی محکمی دارند و هم نزد مخاطبان آشنا هستند، گزینه‌ای جذاب به نظر می‌رسد. برای مثال فصل اول سریال «زخم کاری» اثر محمود حسینی‌زاد یک بگینگر بزرگ در پیوند ساز و ادبیات محسوب شد. پیوندی که در طول دو هفته کتاب «زخم کاری» را جزو پرشمارگان ترین کتابت در بازار نشر کرد. در همین شرایط است که شاهد تولید یا پیش تولید آثاری چون «بامداد خمار» (براساس رمان فثانه حاج سیدجویی)، «سوسون» (اثر ماندگار سیمین دانشور) و پروژه‌هایی پیرامون شاهنامه هستیم.

معروف کہ سریال می شود

به همین خاطر است که در فضایی انباشته از آثاری با سوژه‌های خشونت‌آمیز، خبر پخش دو سریال «سووشون» و «امداد خمار» خوشحال‌کننده خواهد بود. همین که کارگردانی به ساخت سریال‌هایی از داستان‌های مشهور ایرانی تمایل نشان داده و باید به فال نیک گرفت. همین برای مخاطبان و فاصله گرفتن از سوژه‌های خشن و رفتن به سوی دیدگاهی دیگر می‌تواند یک مغایرت سریال‌های شبکه نمایش خانگی، اتفاقی خوب و خوشایند باشد. شاید ساختن این سریال‌ها بسبب جای خوبی را بگذارد و تا دیگر کارگردانان با ادبیات کشورشان آشنا شوند. البته این انتخاب برای اقتباس به علاقه و سبقه نگرش آبیار برمی‌گردد. او نویسنده است. یکی از کتاب‌های خود را هم به تصویر بدل کرده و هنوز با وجود اینکه به عنوان کارگردان شناخته می‌شود اما علاقه‌اش به ادبیات را حفظ کرده است.

با وجود فرصتی که پلنفرم‌ها در اختیار فیلمسازان قرار می‌دهند تا امکان ساخت آثار اقتباسی را به راحتی داشته باشند، اما گویی کارگردانان به قدرت این افتخار واقف نیستند. در شرایطی که بسیاری از کارگردانان بکنه یا عنوان سیمینا اجتماعی، بر تصویر حوادث اجتماعی گذشته‌اند، این عارضه جدید سینما و سریال‌های ایران است. کارگردانی که لایه‌ای مضحت حوادث رسانه‌ها به دنبال یافتن سوژه‌های خود هستند. نتوجه به این اثر به عنوان یکی از گونه‌های سیمینا به دنبال اتفاق پذیرد. نیست اما زمانی که کارگردانان متعدد برای جذب مخاطب تنها به تصویر خسوت عریان دست می‌زنند، جای سوال باقی می‌گذارد. آیا فیلمساز امکان و توانمندی دیگری برای خلق موج و جنبه مخاطب را دارد؟

سریال‌هایی مثل «درویش»، «قورباغه»، «گرد زنی»، «جان سخت» و «جنگل اسفالت» همه مقرر در تیرسم-وزنمای فضای خشونت‌آمیز طبقات پایین اجتماع هستند. آن‌ها جز داستان‌های تکراری لبریز از قتل و زرد و خورد، چیز دیگری به مخاطب‌شان نمی‌دهند. سرتازه هومین سیدی به نام «حشوی» نیز از این فضا جدا نیست. او نیز در سیرال جدیدش سرگرم یک بازی پرورنده‌های جان‌های اخیر رفته‌است. حتی محمدکارت، محمدحسین مهدویان و امین حسین پور که در «آغی»، «خند آکری» و «بازنده» به سراغ اقتباس از ادبیات رفته، تمام‌شان کتاب‌هایی با داستان‌هایی خشونت‌آمیز و لبریز از انتقام‌گری بود.

مهرجویی و رد ادبیات بر پرده سینما

با این اوصاف اما ادبیات معاصر ایران ظرفیت شگفت‌انگیزی برای ظهور بر پرده سینما یا قاب تلویزیون دارد. «درخت گلرانی» با اقتباس از کتابی به همین نام به قلم علی ترقی یا قلم «مهمان مامان» با اقتباس از نوشته هوشنگ مرادی کرمانی که هر دو ساخته زنده‌ایان باروش مهرجویی بودند، نمونه دقیقی برای اثبات این ظرفیت است؛ قدرتی که در بطن این اثر مان‌ها برای تصویر کشیدن و خواننده داشته است. پس برپیرایه نیست که حالا فرصت پیش آمده را مغتنم شمرد و بار دیگر به ادبیات ایران تگاهی دوباره کرد از زمان‌های دولت‌آبادی، هوشنگ مرادی کرمانی، بلقیس سلیمانی گرفته تا داستان‌ها و کوتاه‌نویسندگانی چون گلشیری و چوپک، همگی این امکان و ظرفیت را به فیلمسازان می‌دهند تا مانی سرایان‌ها و فیلم‌های ماندگار شوند.

جان‌یناه و نجات‌دهنده‌ای به نام ادبیات

علاوه بر این، اکنون که بازار فرهنگی ایران به سمت صنعتی شدن در حرکت است، وقت آن شده تا تعامل سازنده میان ادبیات و سینما به جریان اصلی بدل شود. اگر این مسیر ادامه یابد، شاید چند سال دیگر سینمای ایران بتواند هم‌پای نمونه‌های جهانی اقتباسی در حد و اندازه‌های بزرگ و قابل اعتنا ارائه دهد. چاره دیگر سودای اقتباس تنها از روستاست، بلکه فرصتی واقعی برای بازنگری آثار قبلی پنهان شده چاکه‌های بربردار می‌کند. ما از واقع‌گرایی خسته‌کننده دنیا به ادبیات پناه می‌بریم، ادبیات پناه‌های خسته است. داستان‌ها و رمان‌ها برای خنای‌های خسته‌ای که دنبال لختی آرامش در میان شوخی‌های روز می‌گردند، قفقه‌هایی برای ناامید شدن پدید می‌آورد. این معجزه ادبیات است. این قدرت ادبیات گویبی در رمان‌ها و داستان‌های کوتاه می‌آید که می‌تواند ناچاه را راه می‌برد، رسد و خودنمایی از روز می‌گیرد و هم‌جای می‌کند و به هیجان در کتب‌های روز زیسته را می‌دهد.

غرق شدن در خشونت عامل پرمخاطبی تولیدات

با وجود فرصتی که پلتفرم‌ها در اختیار فیلمسازان قرار می‌دهند تا امکان ساخت آثار اقتباسی را به راحتی داشته باشند، اما گویی کارگردانان هنوز به قدرت این اتفاق واقف نیستند. در شرایطی که بسیاری از کارگردانان سنگ بنای تولیداتشان را نه بر داستان‌ها و رمان‌ها، بلکه با عنوان سینمای اجتماعی، بر تصویر حوادث خشن اجتماعی گذاشته‌اند. این عارضه جدید سینما و سریال‌های ایران است. کارگردانی که لایه‌لای صفحات حوادث رسانه‌ها به دنبال یافتن سوژه‌های خود هستند. توجه به این ژانر به عنوان یکی از گونه‌هایی سینمایی به ذات اتفاق نقدپذیری نیست اما زمانی که کارگردانان متعدد برای جذب مخاطب تنها به تصویر خشونت فیلمساز امکان و توانمندی دیگری برای خلق موج و جذب مخاطب را ندارند؟

سریال‌هایی مثل «داربوش»، «قورباغه»، «گرد زنی»، «جان سخت» و «جنگل آسفالت»، همه غرق در ترسیم و بازنمایی فضای خشونت‌آمیز طبقات پایین اجتماع هستند. آن‌ها جز داستان‌های تکراری لبریز از قتل و زد و خورد، چیز دیگری به مخاطب‌شان نمی‌دهند. سریال تازه هومن سیدی به نام «وحشی» نیز از این فضا جدا نیست. او نیز در سریال جدیدش سراغ یکی از پرونده‌های جنایی سال‌های اخیر رفته است. حتی محمد کارت، محمدحسین مهدویان و امین حسین پور که در «یاغی»، «زخم کاری» و «بازنده» به سراغ اقتباس از آثار ادبی رفتند، انتخاب‌شان کتاب‌هایی با داستان‌هایی خشونت‌آمیز و لبریز از انتقام‌گیری بود.

ظهور پلتفرم‌ها و پیوند ادبیات و سینما

حالا با ظهور پلتفرم‌ها و گستره نمایش خانگی معادله تغییر کرده است. رقابت شدید برای جذب مخاطب، تولیدکنندگان را به این نتیجه رسانده که برای دوام در بازار، باید سراغ قصه‌های قوی و شناخته شده بروند. از این رو، اقتباس از رمان‌ها که هم ساختار روایی محکمی دارند و هم نزد مخاطبان آشنا هستند، گزینه‌ای جذاب به نظر می‌رسد. برای مثال فصل اول سریال «زخم کاری» اثر محمود حسینی‌زاد یک تغییر بزرگ در پیوند سریال‌سازی و ادبیات محسوب شد. پیوندی که در طول دو هفته کتاب «زخم کاری» را جزو پرشمارگان‌ترین کتاب در بازار نشر کرد. در همین شرایط است که شاهد تولید یا پیش تولید آثار یی چون «بامداد خمار» (براساس رمان فتنه حاج سیدجواد)، «سووشون» (اثر ماندگار سینم دان‌شور) و پروژه‌هایی پیرامون شاهنامه هستیم.

چرا اقتباس ادبی در سینمای ایران شکل نگرفت؟

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این باشد که رمان‌نویسی در ایران در یک شکل گرفت. همین تأخیر سبب شد ادبیات و سینما تا سال‌ها گفت‌وگوی چندانی با یکدیگر نداشته باشند. حتی وقتی آثار شاخصی چون «کلیدر» اثر محمود دولت‌آبادی، «سمفونی مردگان» عباس معروفی یا «جزیره سرگردانی» سیمین دانشور خلق شدند، بستر فنی، حقوقی و تولیدی لازم برای اقتباس آن‌ها وجود نداشت. عامل دوم، بوروکراسی پیچیده و نبود قوانین شفاف درباره حقوق مولفان و ناشران است. بسیاری از نویسندگان به دلیل نبود سازوکار مطمئن برای اقتباس، تاکنون حاضر به واگذاری حقوق آثار خود نبوده‌اند. هرچند این گونه هم نبوده که سینماچندان خود را از دنیای اقتباس ادبیات محروم کرده باشند. برای مثال فیلم «گلو» اثر داریوش مهرجویی برگرفته از کتاب «عزاداران بیل» اثر غلامحسین ساعدی در زمان خود یک شاهکار محسوب شد.

دو کتاب

معروف که سریال می‌شود

به همین خاطر است که در فضایی انباشته از آثاری با سوژه‌های خشونت‌آمیز، خبر پخش دو سریال «سووشون» و «بامداد خمار» خوشحال‌کننده خواهد بود. همین که کارگردانی به ساخت سریال‌هایی از داستان‌های مشهور ایرانی تمایل نشان داده را باید به فال نیک گرفت. همین خرق عادت و فاصله گرفتن از سوژه‌های خشن و رفتن به سوی دنیایی دیگر می‌تواند برای مخاطبان سریال‌ها یک شیکه نمایش خانگی، اتفاقی خوب و خوشایند باشد. شاید ساخت این سریال‌ها سنگ بنای خوبی را بگذارند تا دیگر کارگردانان با ادبیات کشورشان آشتی کنند. البته این انتخاب برای اقتباس به علاقه و سلیقه نویسنده آبیاری می‌گردد. او نویسنده است. یکی از کتاب‌های خود را هم به تصویر بدل کرده و هنوز با وجود اینکه به عنوان کارگردان شناخته می‌شود اما علاقه‌اش به ادبیات را حفظ کرده است.

گره‌دوستان نمایشگاه کاخ هنر را از دست ندهید

«گربسان» فرصتی برای دیدار و تأمل بر روزمرگی‌ها

هنر معاصر آینه‌ای از تعامل انسان و گربه، به همت حامی حیوانات

محمدعرفان صدیقیان
هفت صبح

نمایشگاه هنر تجسمی «گربسان» به همت خانه تمرین شمس و مجموعه کاخ هنر ۳ تا ۵ خرداد برگزار شد. یکی از نمایشگاه‌های متفاوتی که شاید امروز در تهران سراغ بگیرید و به آن سر بزنید، شاید به دیدارش نرفته باشید، شاید از اسمی که بر آن گذاشته شده هم متوجه ماهیت موجود در نمایشگاه نشده باشید؛ اما آن‌جا همه چیز درباره گربه‌ها بود. نمایشگاهی ترکیبی از هنر تجسمی که نمایشگری بر پیوند پیچیده و چند لایه میان انسان و گربه بود. طراح نمایشگاه که خود تجربه متفاوتی با گربه‌ها داشته است با همراهی دو هنرمند دیگر که هر دو از حامیان حیوانات هستند، یک ایده متفاوت را به کاخ هنر می‌برد. ارتباطی میان انسان و حیوانی که در تمام روزمره‌های زندگی ماحضور دارد و ما با آن‌ها به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز رسیده‌ایم. این رویداد بازتابی از تجربه‌های زیسته، ابعاد روانی و الهام‌بخشی گربه در هنر معاصر است. تمرکز نمایشگاه بر بازنمایی گربه در قالب هنر نقاشی، مجسمه‌سازی و عکاسی بود و این امکان را به هنرمندان داد تا با رویکردی خلاق، رابطه انسان و گربه را به گونه‌ای متفاوت و هنری به نمایش بگذارند. سرانجام این فرصت مجموعه‌ای از نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و عکس‌هایی بود که هم‌زیستی گربه و انسان را در فرصتی منحصر به فرد برای کاوش دنیای پیچیده و هنری هم‌زیستی انسان و گربه در قالب هنر به تصویر کشیده بودند.

تجربه زیسته تعامل با گربه‌ها

ایمون رضایی، طراح و کیوریتور نمایشگاه «گربسان»، این رویداد تجسمی را بر پایه تجربه زیسته‌اش با گربه‌ها و تأمل بر روزمرگی‌ها شکل داده و تلاش کرده با کنار هم قرار دادن هنرمندان نسل‌های مختلف، فضایی

برای گفت‌وگو، خلاقیت و هم‌نشینی میان هنرمندان و مخاطبان فراهم کند. «گربسان»، درباره ایده و شکل‌گیری این پروژه، گفت: «این پروژه از تجربه زیسته خودم آغاز می‌شود. در کارگاه‌های خلاقیتی که برگزار می‌کنم و تأکید همیشگی‌ام به هنرجویان تمرین، از خود گفتن، از تمام پروژه‌های شخصی‌ام را مطابق با همین روش خود شنیدن و از خود ساختن است و خودم هم همیشه پیش برده‌ام. چون معتقدم زندگی زیسته هر کدام از ما سراسر ایده‌های درخشان است که فقط باید درک و شنیده و البته اجرایی شود.

از فوبیا تا رویدادی برای مواجهه با ترس‌ها
او ادامه می‌دهد: «پنج سال پیش متوجه شدم که دچار فوبیای شدیدی نسبت به گربه‌ها هستم. سال‌ها بعد که به طور اتفاقی سرپرست ۲ گربه شدم، تجربه‌ای متفاوت داشتم، پسر از درس و ایده‌های جدید بود.»

حیوانی که در مانگر شد

وی افزود: «این تجربه برای من خیلی جالب بود که گربه بتواند به عنوان یک در مانگر یا آینه‌ای باشد که وجود ما را به خودمان نشان دهد. این حیوان فراتر از یک حیوان خانگی باشد و امکانی برای تأمل و دیدار با روزمرگی را فراهم سازد. خواستم این تجربه زیسته را با دیگران به اشتراک بگذارم و ببرسم آیا گربه برای دیگران هم چنین نقش مهمی دارد؟ یا فقط برای من این گونه است؟»

گفت‌وگو و هم‌نشینی میان هنرمندان

رضایی با بیان اینکه از همین پرسش‌ها و تجربه‌ها بود که ایده نمایشگاه «گربسان» شکل گرفت، تأکید کرد: «پیش از این نمایشگاه‌های متعددی با محوریت گربه برگزار شده، اما آنچه برای من اهمیت داشت، شکل دادن به فضایی بود که دیدار و ملاقات بین هنرمندان نوین و هنرمندان باسابقه شکل بگیرد. این هم‌نشینی برای من بسیار جذاب است و می‌خواهم این فرصت به وجود بیاید تا بتوانیم با هم گفت‌وگو کنیم و تجربه‌هایمان را به اشتراک بگذاریم.»

حامی حیوانات کنار هم رویداد ساختند

او درباره همکاری با علی شمس، مدیر پروژه نمایشگاه «گربسان» و محمد شمس مدیر هنری که هر دو از حامیان اصلی حیوانات هستند، توضیح داد: «علی شمس و محمد شمس از حامیان اصلی حیوانات، به ویژه گربه‌ها هستند است و رویکرد خلاقانه و حمایتگری نسبت به هنر دارند. علی



شمس معلم من در مسیر خلاقیت بوده و نقش مهمی در این پروژه ایفا کرده است. حمایت و پشتیبانی‌اش کمک بزرگی به انسجام و غنای تجربه ما کرده و حضور تأثیرگذاری در پروژه داشته است. همکاری با محمد شمس نیز از نکات مثبت و تأثیرگذار این پروژه برای من بود و این همکاری باعث افزایش سطح کیفی نمایشگاه «گربسان» شد.»

تنها نمایش آثار هدف نیست

وی درباره ویژگی‌های این نمایشگاه تجسمی افزود: «این نمایشگاه در امتداد نمایشگاه‌های تجسمی پیشین برگزار می‌شود اما تفاوتش در رویکرد خلاقانه و نگاه چندصدایی است. ما تلاش کرده‌ایم که هر نوع نگرش، سلیقه و دیدگاهی در آن حضور داشته باشد و از این تنوع استقبال کنیم. هدف ما این است که نمایشگاه فقط یک فضا برای نمایش آثار نباشد بلکه محلی برای گفت‌وگو و تعامل باشد.»

یک لحظه درنگ برای خلاقیت کافی است

ایمون رضایی درباره اهمیت خلاقیت در این پروژه، یادآور شد: «من دوست دارم این نمایشگاه جایی باشد که خلاقیت در آن زاده شود، حتی اگر کوچک باشد. شاید یک لحظه درنگ، یک قدم کوچک بتواند جرقه‌ای از خلاقیت را در مخاطب روشن کند. این روزها بیشتر به این باور رسیده‌ام که خلاقیت نیازی به قدم‌های بزرگ ندارد. همین لحظات کوچک می‌تواند آغاز راهی روشن باشد.»

وی درباره انواع آثار حاضر در نمایشگاه، عنوان کرد: «اکثر آثار، تصویرسازی و کارهای دیجیتال هستند.



علاوه بر آن، مجسمه‌هایی از جنس پاپیه‌ماشه و یک اثر عکاسی هم داریم. بیش از ۴۰۰ اثر دریافت کردیم و حدود ۳۰ اثر را انتخاب کردیم. البته ظرفیت پذیرش تمام آثار را نداشتیم ولی تلاش کردیم که تنوع دیدگاه‌ها و سبک‌ها حفظ شود و هر هنرمند با اثرش بتواند سهمی در این تجربه داشته باشد.»

محدودیت سنی نبود

رضایی در مورد حضور هنرمندان مختلف در این رویداد توضیح داد: «در این رویداد، از هنرمندان ۶ ساله تا کسانی که نمایشگاه‌های انفرادی زیادی داشته‌اند، همه کنار هم حضور دارند. این هم‌نشینی برای من بسیار ارزشمند است و می‌خواهم همه احساس کنند بخشی از این تجربه هستند، نه صرفاً تماشاگر.»

این‌جا آغاز یک ملاقات است

او در ادامه با اشاره به هدف شخصی‌اش از برگزاری چنین نمایشگاهی بیان کرد: «من دوست دارم این نمایشگاه آغاز یک ملاقات باشد؛ ملاقات با خلاقیت و با خودمان. شاید همین نمایشگاه باعث شود که یک لحظه کوچک درنگ کنیم و حتی یک نقاشی کوچک

تایستان اسمال، بازگشت به مد درباری انگلیس

پرنسس دایانا و سارا، دوشس یورک، در دهه ۱۹۸۰ پرچم‌دار ایسن پارچه بودند و حالا این الگو بار دیگر با تمام شکوه خود به تایستان ۲۰۲۵ بازگشته است. به نظر می‌رسد وقتی از سبک محبوب خاندان سلطنتی سخن به میان می‌آید، درباره چرخه‌ای از مد صحبت می‌کنیم که هر از چندگاه تکرار می‌شود.

در ادامه به برخی از بهترین نمونه‌های استفاده از این طرح اشاره می‌کنیم:

(۱) **ملکه کامیلا**
در بازدید از مدرسه الساندرو مانزونی در روز سوم سفر رسمی به جمهوری ایتالیا، ۲۰۲۵
(۲) **دوشس ادینبورگ**
در مراسم پذیرایی از دریافت کنندگان جایزه پادشاهی برای شرکت‌ها در کاخ باکینگهام، ۲۰۲۲

(۳) **پرنسس ولز**
در افتتاحیه هوپ استریت، برای حمایت از زنان در سیستم قضایی، ۲۰۲۳

(۴) **پرنسس ولز در ویمبلدون ۲۰۲۲**
(۵) **پرنسس ولز در رویال آسکات، ۲۰۲۲**
(۶) **پرنسس بتاتریس در رویال آسکات، ۲۰۲۲**
(۷) **زارا تندال**

در مراسم عید پاک در کلیسای سنت جورج، سال ۲۰۲۲
(۸) **پرنسس ولز**
در مسابقات تنیس و ویمبلدون، سال ۲۰۲۲

(۹) **پرنسس مایکل از کنت**
در مراسم ازدواج ولیعهد لکا دوم آلبانی و الیا زاهاریا، سال ۲۰۱۶

(۱۰) **دایانا، پرنسس ولز**
در کاخ بیان، سال ۱۹۸۹
(۱۱) **دایانا، پرنسس ولز**
در مراسم رویال آسکات، سال ۱۹۸۸

(۱۲) **سارا، دوشس یورک**
در روز مسابقه دربی ایسوم، سال ۱۹۸۷
(۱۳) **ملکه الیزابت دوم**

در باغ‌های تاج‌گذاری در هونیار، واقع در جزایر سلیمان، سال ۱۹۸۲
(۱۴) **پرنسس آن**
در جشن بزرگ کودکان در هاید پارک، سال ۱۹۷۹

(۱۵) **ملکه الیزابت دوم**
در جریان سفر سلطنتی به مکزیک، سال ۱۹۷۵
(۱۶) **پرنسس مارگارت**
در نشست کمیته جوانان انجمن ویکتوریا، سال ۱۹۵۴

(۱۷) **پرنسس مارگارت**
در مراسم بازگشایی کالج آموزشی اقامتگاه زنان، سال ۱۹۴۹



چرا پرنسس ولز طرفدار طرح‌های خال خالی است و لباس پوشیده و بلند با طرح خال خالی را برای لباس تابستانی خود برگزیده است؟

پرنسس ولز در سال‌های اخیر دو بار با انتخاب لباس‌هایی با طرح دایره‌های ریز متقارن و نقش خال‌دار منظم این الگو را در نهایت زیبایی به نمایش گذاشته است. اما او تنها عضو خاندان سلطنتی نیست که این طرح کلاسیک را می‌پسندد و در اغلب مراسم رسمی به تن می‌کند.

خال‌دارهای محبوب، صدر محبوبیت

گفتنی است پارچه‌هایی با طرح خال‌دار هم‌اکنون در اوج محبوبیت قرار دارند و این طرح پرطرفدار یکبار دیگر به فصل تابستان رنگ و رونق دوباره‌ای داده است.

کامیلا و دوشس و پرنسس، طرفداران خال‌دار

ملکه کامیلا این طرح را در جریان سفر رسمی خود به ایتالیا به تن کرد. دوشس ادینبورگ نیز بارها با این الگو در انظار عمومی ظاهر شد و این طرح به‌ویژه در سال‌های اخیر به یکی از انتخاب‌های اصلی پرنسس ولز تبدیل شده است.

پرنسس ولز شاید اکنون چهره برجسته این الگوی مد باشد، اما اولین عضو خاندان سلطنتی نیست که این نوع پوشش را انتخاب کرده است.

خال‌ها ۸۵ سال پیش به کمد سلطنتی رسیدند

پرنسس مارگارت، که به خوش‌سلیقگی در مد شهرت داشت، اواخر دهه ۱۹۴۰ این طرح را به کمد لباس خاندان سلطنتی آورد که به سرعت به یکی از انتخاب‌های محبوب ملکه الیزابت دوم هم تبدیل شد.

بازگشت الگویی از دهه ۱۹۴۰ به مد تابستان ۲۰۲۵

درباری‌های خال خالی

گروه فرهنگ و هنر | پرنسس مارگارت خوش‌پوش دهه ۱۹۴۰ تا پرنسس ولز در ویمبلدون ۲۰۲۲، پارچه‌های خال‌دار همواره با نوعی وقار سلطنتی همراه بوده‌اند. حالا با ورود این طرح به تابستان ۲۰۲۵، بار دیگر شاهد بازگشت یکی از اصیل‌ترین الگوهای مد به کمد خانواده سلطنتی هستیم. در لباسی که هم نشانی از سنت دارد و هم رنگی از روز.



گزارش «هفت‌صبح» از طرح مجلس برای کاهش سقف مهریه از ۱۱۰ به ۱۴ سکه

مهریه در آستانه فروپاشی

- مخالفان هشدار می‌دهند کاهش سقف مهریه باعث کاهش امنیت مالی زنان در صورت طلاق خواهد شد**
- موافقان طرح معتقدند کاهش مهریه فشار اقتصادی روی مردان را کاهش می‌دهد واز دواج را تسهیل می‌کند**
- طرح هنوز به تصویب نهایی نرسیده است و بحث‌های کارشناسی درباره پیامدهای آن ادامه دارد**

مریم مهبیار | طرح مجلس برای کاهش سقف

مهریه از ۱۱۰ به ۱۴سکه؛ چالش بین حمایت از مردان یا تضعیف حقوق زنان؟ در پی بررسی طرح جدید مجلس شورای اسلامی برای کاهش سقف ضمانت اجرایی مهریه از ۱۱۰ به ۱۴ سکه، موجی از واکنش‌های موافق و مخالف شکل گرفته است. حامیان این طرح بااستناد به کاهش زندانبان‌بدهکار مهریه و تسهیل ازدواج جوانان، آن را گامی در جهت «عدالت اجتماعی» می‌دانند. موافقانی که با تأکید بر حبس‌زدایی و کاهش فشار اقتصادی بر مردان با استناد به آمار ۲هزار ۳۰۰ زندانی بدهکار مهریه موافقت‌شان را اعلام می‌کنند. در مقابل، منتقدان به‌ویژه فعالان حقوق زن هشدار می‌دهند این تغییر بدون ایجاد توازن در سایر حقوق خانوادگی (مانند حق طلاق، حضانت و اشتغال زنان)، تنها بازتولید نابرابری جنسیتی و افزایش آسیب‌های اقتصادی برای زنان پس از طلاق خواهد بود. مخالفانی که نسبت به پیامدهای اجتماعی مانندافزایش فقر زنان، کاهش ازدواج‌های رسمی و جایگزینی زندگی‌های غیررسمی هشدار می‌دهند.البته برخی کارشناسان نیز با اشاره به تجربه ناموفق کاهش مهریه به ۱۱۰ سکه در گذشته، این طرح را «تکرار یک اشتباه تاریخی» می‌خوانند.

سایه سنگین طرح ۱۴ سکه مجلس بر بلور شفاف این حق شرعی- قانونی

در آیینۀ فقه و قانون، مهریه همچون حق مقدس زن متولد می‌شود؛ حتی که با خوانده شدن صیغه نکاح، در قالب سکه‌های زرین یا اعداد کاغذی به عنوان «هدیه الزامی» از مرد به زن منتقل می‌شود. شریعت، این حق را نه در چارچوب عددی ثابت که در قالب توافقی آزاد دو بال عقد (زن و مرد) تعریف می‌کند. قانون مدنی ایران نیز با مواد ۱۰۸۲ تا ۱۰۹۸، مهریه را به مثابه سند رسمی تعهد مالی برمی‌شمارد که مطالبه آن از طریق مراجع قضایی، حتی پس از طلاق، همچون شمشیری بر دهنه در دست زن باقی می‌ماند. اما این روزها، سایه سنگین طرح ۱۴ سکه مجلس، بلور شفاف این حق شرعی- قانونی را در هاله‌ای از ابهام فرو برده.

از پشت چشم‌های غمگین

روایت‌های یک درمانگر از جلسات مشاوره

با دختران نوجوان در جنوب شهر تهران، دخترانی که با رفت‌ر تا به دوش می‌کشند

ادامه از صفحه اول

نامادری: پیش آن‌ها هم می‌رویم. اما می‌خواهیم شما هم بگویید که هنگام پرخاشگری‌های دختر با او چه کنیم؟

در انتهای همین جلسه درمانی، نامادری خشمگین از درمانگری که به‌جای نصیحت دختر به احساس تنفر و حسادت نامادری نسبت به دختر پرداخته است، به درمانگر می‌گوید: «حتی کادر مدرسه هم معتقدند که این دختر کیفیت‌ترین دانش آموز مدرسه است!» و این چنین تنفرش از دختر را به مدرسه فرافکنی می‌کند.

از این موارد در یک‌سال گذشته کم ندیدم و فقط معطوف به نامادری‌ها و ناپدری‌ها نیست. متأسفانه مادران و پدران بسیاری را دیده‌ام که تنفری عمیق از فرزند خویش داشته‌اند و با دفاع‌های متعدد آن را سرکوب کرده‌اند و ریشه مشکلات در همین دفاع‌ها نهفته است.

در بین مراجعانم در این مرکز نوجوانان بسیاری هستند که تنفر والدین‌شان آن‌ها را به ورطه افسردگی کشانده و نوجوانان بسیاری هستند که خشمی سرکوب‌شده درونشان شعله می‌کشد. خشمی که چون دیده و تجربه نمی‌شود، به‌سمت خود نوجوان نشانه می‌رود و نوجوان میل به آسیب به خود و در نهایت حذف خود از جهان را تجربه می‌کند. به گفت‌وگوی زیر بین درمانگر و یک مادر که بازم بخشی واقعی از یک جلسه درمانی در این مرکز است توجه کنید تا دریابید چگونه تنفر یک مادر از دخترش می‌تواند سبب‌ساز سرزنش‌های بی‌امان او و در نتیجه اقدام دختر نوجوان به حذف خود که همان آرزوی پنهان مادر است، منتهی شود.

درمانگر: آخرین باری که دخترتان را تحسین کردید چه زمانی بود؟

مادر: چه چیزی را باید تحسین کنم؟ مگر توانایی هم دارد؟ **درمانگر:** یعنی به عقیده شما دخترتان یکپارچه منفی است؟

مادر: بهتر بود که نبود!

در این نقطه از جنوب تهران که من به‌عنوان درمانگر ساعت‌ها شونونده روایت‌های فروخورده و سرکوب‌شده نوجوانان از زندگی‌شان هستم، امید‌چون شمع‌ی است که به‌سختی باید روشن نگه‌داشته شود، چرا که این جا توفان‌هایی سهمگین از جنس خشم و تنفر و غم همه‌چیز را در هم می‌کوبند و خاموش می‌کنند.

***این روایت‌ها ادامه دارد...**



حقوقی باشد، چگونه می‌توان انتظار استحکام خانواده را داشت؟ این طرح دقیقاً همانند آن است که آخرین تکیه‌گاه زنان را ویران کنیم و بعد تعجب کنیم چرا آمار طلاق سر به فلک کشیده!» بنابر نظر این مشاور خانواده در حال حاضر از چهار پایه اساسی تشکیل خانواده -شامل «حق طلاق»، «حضانت فرزند»، «حق تعیین مسکن» و «مهریه» - سه مورد کاملاًدر اختیار مردان است. تنها مهریه به عنوان حلقه‌ای از امنیت اقتصادی برای زن باقی مانده بود که حالا می‌خواهند این را هم بی‌اثر کنند. آیا خانواده‌ای با یک پایه شکسته می‌تواند استوار بماند؟

شکستن آخرین درِچه امنیت زنان!

صادقی با اشاره به اینکه برخی معتقدند مهریه‌های کلان خود عامل افزایش تنش‌های خانوادگی است، اظهار می‌کند: «پاروکس ماجرایینجاست‌به‌جای حل‌ریشه‌ای مشکلات مانند «تقویت مشاوره پیش از ازدواج»، «اجرای دقیق مهریه عدللاستطاعه»، دارند قفل آخرین درِچه امنیت را می‌شکنند، چرا به جای آموزش مهارت‌های زندگی مشترک و ایجاد مکاتیب‌های جایگزین مانند «صندوق تضمین مهریه» یا «بیمه طلاق»، مستقیماًبه حذف حقوق زنان می‌پردازند؟ آمارهای قوهقضائیه نشان می‌دهد ۶۸درصد زنان در طلاق‌های توافقی مجبور به بخشش مهریه می‌شوند.این یعنی حتی همین حق ناچیز هم عملاًنادیده گرفته می‌شود!

صدر و جواز رسمی برای بی‌تعهدی مردان!

او ادامه می‌دهد: «این یعنی صدور جواز رسمی برای بی‌تعهدی مردان! تصور کنید جوانی باندن می‌تواند هر زمان که هوس جدیدی کرد، با پرداخت معادل یک خودروی دست‌دوم، همسر و فرزندانش را رها کند. آیا این خانواده‌سازی است یا نابودی تدریجی کانون خانواده؟»صادقی عنوان می‌کند: «راقابل‌ا قبل تصویب چنین طرح‌هایی، یک بار دیگر آیات ۲۰ تا ۲۱سوره نساء را مرور کنید که پرداخت مهریه را «فریضه» می‌خواند، خانواده‌ای پایدار می‌ماند که زن در آن نه به مثابه مُتاع، که چون شریک برابر با حقوق مسلم شناخته شود. به جای بردن بال‌های امنیت زنان، برای پرواز مشترک خانواده‌ها بال عدالت بسازد!»

هزار و نهصد و ده نفر: قربانیان مهریه

آمارهایی که رئیس هیئت امنای ستاد دیه کشور ارائه می‌دهد، می‌گویند: دو هزار و سیصد و هشتاد و هفت تن در سلول‌های خاکستری میهن‌مان اسیرند، نه برای جنایت که برای سنگینی دین‌های بر دوش کشیده. هزار و نهصد و ده نفر، قربانیان مهریه‌های پرداخت نشده و چهارصد و پنجاه و هفت تن دیگر در گرداب نفقه‌های معوق... آمارها فریاد می‌زنند: ۴۰درصد از این زندانبانان، حتی دیپلم هم ندارند. دست‌های زخم‌خورده کارگران، پیشانی‌های عرق‌ریز رانندگان تاکسی و چشم‌های منتظر فرزندان‌کی پدرانشان پشت میله‌ها سیر عددی سرد به نام «۱۱۰» هستند. تهران، خراسان و البرز - این سه استان، گویا قطب‌های تولید غم شده‌اند؛ جایی که عدالت نه با ترازوی انصاف که با ترازوی طلا سنجیده می‌شود.

قضایی با شکاف عمیق نسبت به نرخ‌های واقعی بازار کار همراه است. به عنوان نمونه، در حالی که میانگین دستمزد روزانه یک نیروی خدماتی در سال ۱۴۰۴ به ۳میلیون تومان می‌رسد، ارزش‌گذاری کار زنی که سه دهه مدیریت خانه و پرورش فرزندان را بر عهده داشته، گاه به کمتر از ۱۰۰درصد این رقم تنزل می‌یابد. این کم‌ارزش‌گذاری رسمیستاتیک، مهریه را به تنها اهرم اجرایی با ضمانت کیفری برای زنان تبدیل کرده.

۶۷درصد در خواست طلاق‌ها از طرف زنان

آمارهای رسمی قوه قضائیه حاکی از آن است که ۶۷درصد از درخواست‌های طلاق توسط زنان، با استناد به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی (عدم پرداخت مهریه) ثبت می‌شود. حال آنکه طرح‌های اخیر مجلس برای حذف ضمانت اجرای کیفری مهریه، بدون ارائه

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سمیر سعیدی مقدم اصالتا با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۱۳۹۲۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ دفترخانه ۱۵۲۷ تهران طی درخواست وارده از پست تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد: ۱- نام و نام خانوادگی مالک: سمیر سعیدی مقدم (مالک شش‌دانگ) ۲- شماره پلاک: ۰ فرعی از ۵۳۷۶ اصلی که بیلاک ۱ فرعی از ۵۳۷۶ اصلی اصلاح شده است واقع در بخش ۹ تهران ۳- علت مفقودی: جابجایی ۴- خلاصه وضعیت ملک: سند مالکیت شش‌دانگ یکباب خانه مشمل بر بیرونی و اندرونی بیلاک ۵۳۷۶ اصلی که بیلاک ۱ فرعی از ۵۳۷۶ اصلی اصلاح شده است واقع در بخش ۹ تهران ذیل ثبت ۵۱۹ صفحه ۱۲۱ دفتر جلد ۴ املاک بنام سکیینه خانم صدقی تبریزی ثبت و صادر و تسلیم گردیده سپس شش‌دانگ مورد ثبت بموجب سند قطعی شماره ۳۱۰۲۹ مورخ ۱۳۵۴/۰۹/۰۴ دفترخانه ۲۸۳ تهران به لطفعلی صدقی منتقل و سپس شش‌دانگ بموجب سند قطعی شماره ۱۱۲۵۸ مورخ ۱۳۵۵/۰۴/۱۲ دفترخانه ۳۸ تهران به حسین رحیمی منتقل و سپس شش‌دانگ بموجب سند قطعی شماره ۱۱۳۶۲۸ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۶ دفترخانه ۹۷ تهران به سمیر سعیدی مقدم انتقال یافته است.

پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی ثبت محل: خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی

۱۱۵۷۲ م الف
رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران- عباس مهیا
شناسه آگهی ۱۹۳۷۱۱۳

آگهی فقدان سند مالکیت

شده سپس یک دانگ طبق سند ۴۸۸۶۶ تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹ شهری ر استان تهران، به اکبر کاشانی فرزند محمد شماره شناسنامه ۱۴۰ تاریخ تولد ۱۳۳۵/۰۲/۲۸ صادره از ورامین دارای شماره ملی ۰۴۰۵۸۸۲۷۲ منتقل شده است لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ا ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت العثنای سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

۱۱۵۷۶ م الف
کفیل حوزه ثبت ملک فلهک تهران - علی خوزای آذرپور
شناسه آگهی ۱۹۳۷۱۵۳

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم کیمیا اکبری وکلثا از طرف عباس اکبری بموجب وکلثنامه شماره ۴۹۸۴۰ مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۷ دفترخانه ۲۳۵ تهران و بموجب وارده شماره ۹۰۰۵۴ مورخ ۱۴۰۲/۲/۳۰ با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی که گواهی امضای شهود آن طی شماره ۶۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۵ ثبت گردیده است مدعی است سند مالکیت شش دانگ یک دستگاه آپارتمان شماره ۸ واقع در طبقه سوم سمت غربی بمساحت ۱۱۳/۱۴ متر مربع که مقدار ۳/۵ متر مربع آن بالکن است به شماره ۱۹۹۴۱ فرعی از ۸۸ اصلی مفروز از پلاک ۳۴۲۶ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش یازده تهران بانضمام پارکینگ ۷ به مساحت ۱۰/۸ متر مربع و انباری شماره ۲ به مساحت ۳/۸۴ متر مربع ذیل ثبت ۱۶۲۱۹۱ صفحه ۱۹۱ دفتر ۴۶۵ بنام عارف حضرتی وند سایی ورن ثبت و بنشماره جایی ۳۹۸۷۴۴ صادر گردیده است سپس مع الواسطه بموجب ۶۳۲۹۳ مورخه ۸۷/۱۱/۲۷ دفتر خانه ۱۴۰ تهران به آقای عباس اکبری و خانم مینا اجدادی هر کدام سه میزان سه دانگ منتقل شده است و دفترخانه ۱۴۰ تهران بموجب نامه شماره ۴۹۸۰ مورخه ۹۳/۱/۲۸ اعلام نموده شده است و مدارک از جمله لاشه سند تحویل آقای عباس اکبری شده است سپس بعلت جابه جایی مفقود گردیده است مراتب گزارش و حسب دستور ذیل وارده شماره ۱۰۷۹۰۰۵۴ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۸ مورخه ۱۴۰۴/۲/۳۰ مبنی بر اقدام در راستای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت لذا مراتب بااستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می باشد طرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کنند مسترد خواهد شد و صدور المثنی سند مالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضاء مدت مذکور و عدم هر گونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.

۱۱۵۷۲ م الف
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس - رضا النجری
شناسه آگهی ۱۹۳۷۱۱۳

نظر باینکه آقای اکبر کاشانی با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه ی گواهی امضاء شده به شناسه یکتا ۰۳۱۵۷۲۶۳۳۲۲ ۱۴۰۳۰۳۱۵۷۲۶۳۳۲۲ مورخ تصدیق ۲۸۸۹۳۶ شماره ترتیب ۱۲۴۰ دفترخانه ۶۹ شهر ری طی درخواست وارده شماره ۱۰۲۶۰۴۰۰۱۰۲۶۰۴۰۰۱ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ و تقاضای صدور سند المثنی سند مالکیت را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد.

۱- نام و نام خانوادگی مالک: اکبر کاشانی
۲- شماره پلاک: ۱۳۴ فرعی از ۱۹۲۹ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران
۳- علت گم شدن: سهل انگاری

۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۱۳۴ فرعی از ۱۹۲۹ اصلی، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۱۷۶ تفکیکی و واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۴۵۹/۸۹ متر مربع به شماره دفتر املاک الکترونیک ۱۸۵۵۳/۰۲۶۰۱۰۲۶۰۱۳۰۲۰۱۳۰۲۰۱ به شماره چاپی ۳۷۵۴۰۰ به نام محمدرضا اعتمادی عیدگاهی ثبت و صادر

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۸۵۲۰۰۸۰۰۳۱۲۰۱۴۰۲۰۱۳/۱۲/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۰۳۳۰۰۴۰۰۱۰۲۶۰۰۴۹۷۲۳۶۰۰۳۱۱۰۲۹۴۷ تصرفات مالکانه و بلامعرض متقاضی محمد دردی بلمه فرزند اله محمد به شماره شناسنامه ۲۹۹۶۲۵۱۱۰۲۹۴۷ مورخه ۱۳۹۲/۰۸/۲۵ صادره اق قلا در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۹۶۲۵۱۱۰۲۹۴۷ متر مربع ، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی ۱۲- اصلی واقع در اراضی قریه بلمه سالیان - بخش ۱۲- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تأیید گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف/۲۷۸
تاریخ انتشار نوبت اول روز سه شنبه ۱۴۰۴/۲/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم : روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۲/۲۷

مهناز جهانفر

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی توپسرکان

نظر باینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک توپسرکان به موجب رای شماره ۰۳۳۰۰۴۰۰۱۰۲۶۰۰۳۳۰۰۴۰۰۱۰۲۶۰۰۳۳۰۰۴۰۰۵۱۸ مورخه ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ تصرفات مالکانه یکباب زمین مزروعی به مساحت ۶۵۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۴ اصلی واقع در بخش۵ توپسرکان محرز گردیده است، لذا مفاد رای صادره بااستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد در صورتیکه شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت توپسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه در یافت نمایند ضمنا متقاض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متشفر به دادگاه نمی باشد. م الف/۲۳۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴/۲/۲۷

محمد علی حلیلوئد

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک توپسرکان

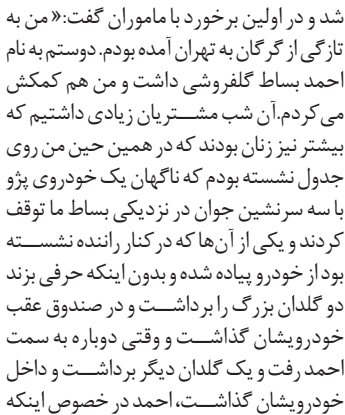
آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی توپسرکان

نظر باینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک توپسرکان به موجب رای شماره ۰۳۳۰۰۴۰۰۱۰۲۶۰۰۳۳۰۰۴۰۰۱۰۲۶۰۰۳۳۰۰۴۰۰۵۱۸ مورخه ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ تصرفات مالکانه معصومه خدابخشی فرزند دلشیر و داود خامیرزایی فرزند نادر قلی هر یک نسبت به سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۸۲/۲۳ مترمربع پلاک قسمتی از پلاک شماره ۲ اصلی واقع در بخش۲ توپسرکان محرز گردیده است. لذا مفاد رای صادره بااستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد در صورتیکه شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت توپسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند ضمنا متقاض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متشفر به دادگاه نمی باشد. م الف/۲۳۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴/۲/۲۷

محمد علی حلیلوئد

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک توپسرکان



در ابتدای جلسه رسیدگی ویلای دهر هر سه در ابتدای جلسه مقتول تقاضای قصاص قاتل فرزندانشان را کردند. سپس احمد به اتهام سه فقره «قتل عمدی در جانی» دفاع حاضر شد و گفته شد: «من خودروی و بی‌گناه نیستم. من با یک خانم جوانی که در خیابان سیلوان می‌آورد و می‌فروختم، ما اصالتاً اهل یکی از شهرهای خراسان هستیم و از حدود ۶ سال قبل از حادثه بود که به تهران مهاجرت کرده و در محله مقتول آباد زندگی می‌کردیم. با این حال هرگز به مقتول نزدیک بودم؛ از مدتی قبل از حادثه بود که گفتگویش دوره کرد شده بود.»

پسند ادا می داد: «یکی از آن سه نفر چنان کرد
حکمی که من زده بودم اختیاری ادا را گرفت و
خود را خیس کرد بعد بنی اقدام که می کرد
روی سرم می زدند و همین ضربه ها باعث شد
سرم بشکند. وقتی بلند شدم دیدم که یکی از آنها
بر روی دست داشت و سمت دوستم که راننده
بود رفته بود. دویدم و دسته های زمین
را بستم را کشیدم! اما یکی دیگر از مقتولین نماند.
موقع جاقو کشید و یک خط روی گردنم انداخت
بلاسم را هم پاره کرد و یک ضربه هم به پشتم
زد. یک دفعه دوستم روی زمین افتاد و چشمان او
روی آمد که فکر کرد چشمان دوستم ترکید.
خیلی ترسیدم و می خواستم فرار کنم اما
نوم که دوباره یکی از مقتولین سمت من آمد و

من برای کشاورزی کار کارگری زیاد است
 و همین به شهر سرارله ایلام رفتم و در این
 زمین کشاورزی کار می کردم. اینداستری
 شوم حتماً قصاص می شود. برای من
 خود را معرفی نکردم. در آن مدت
 جعبه‌ای زندگی می کردم.» وکیل متهم در
 موکل خود گفت: «بررسی زجابه چشمه
 من مصرف الکل را سوزی آنها نشان داد
 می تواند دلیل رفتار تهاجمی و باج خواهی
 موکل من باشد.»

متهم در مقام آخرین دفاع گفت: «من از
 نفع کردم چون مال و اموال و در واقع
 من روی زمین بود و مورد حمله قرار
 ندادم.»

دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهمان
 صدور رأی داد و متهمان را زندانی کرد.

۵	۴	۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ن	ا	س	ز	گ	ا	ر	م	ب	ا	ه	ا	ت	ا	ت
ی	م	ه	ر	گ	ل	پ	ا	ب	و	ش	س	ک	ر	ر
ا	ج	ا	ر	ز	م	ی	ن	س	ا	ب	ی	س	ا	ی
ن	غ	ل	غ	ل	ک	ل	ر	ی	ش	ی	ش	ی	ن	ن
ر	ت	ی	ل	ن	م	ط	ا	ک	ی	د	ی	ی	ز	ز
ا	ن	ز	ب	و	ق	ا	ن	ا	ن	ی	غ	س	س	س
ی	ج	ی	خ	ا	م	ن	ش	ی	ن	ی	ت	ی	ی	ی
د	ی	ی	ی	ک	ر	ا	ن	ف	ر	ا	س	ی	ر	ر
ه	ا	ل	ی	ل	د	ا	ب	ا	د	م	خ	م	ر	ر
خ	ا	ز	ی	ه	د	ا	ی	ت	س	گ	ا	ر	ب	ب
ا	ط	ا	س	ت	ن	و	ل	ل	ا	ل	ا	و	ه	ا
ر	ا	ز	ی	ن	و	ه	ز	ی	ل	و	ب	ا	ف	ی

۱- حوضی از شور و پست سبزه
۲- دوستانی صمیمی - از خستگی بلند و جنگلی - از انواع تلفن همراه
۳- شاداب - از رشته‌های دانشگاهی
۴- کاهگل - دانش بر آوردن باران - از پس و به دنبالش
۵- تنها فرزند خانواده - مرکز عدسی
۶- برق منفی - از سبک‌های شعر - از انکشتان دست با پا
۷- به شمشیر - باد معروف - رده - سیلاب
۸- پول خرد هندوستان - تازه و رسیده - مته برقی
۹- کسوری در آفریقا - تازه و مدرن - به تنهایی - معاون هیئت
۱۰- زمین پر آب و علف - توقف فرنگی - رده گوسفند
۱۱- روستایی خیار شور نزدیک تبریز - مدافع چپ اسبق تپیر بارسلونا
۱۲- از تمدن‌های کهن - وسیله‌ای در حمام‌های مدرن - موجود افسانه‌ای زیبا
۱۳- از غزل‌سرایان ایرانی - با آن را نکوبید!
۱۴- نوعی نوشیدنی - مرد بی ریش - قنات و کاریز
۱۵- قدرت و توانایی - سری‌ای از اسماعیل خلیج با بازی عنایت بخشی

گل چهار فصل و کیل	بلایه سرای کروچک زینتی	امکان پذیر غیر ممکن	آماده و مهیا غذای کرمانشاه
برای بودن در جزیره ابوابی دریای خزر			
از زن و قدر هری اسبق پرسوولیس	ابر زمینی افغانستان باستان		مهاجر سال های دور منچستر یونایتد
		حرف نداری حشره عسل ساز	
مطیع دبواز متحرک	تکبر داستان عاشقانه		تازهای موسیقی
شهر سوهان جلو گیری	فلز چهره! خوب و پسندیده		
			سگ سرخ
نکسته شدن خوب و هراس اضطراب و بیم			

[illegible]

جنگل‌ها در آتش مردم در میدان، مسئولان در تفکر



مجید غسنفری
کارشناس رسانه و پژوهش‌گر محیط‌زیست

با گرم‌تر شدن هوا، بار دیگر آتش‌سوزی در جنگل‌های زاگرس و هیرکانی به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های محیط‌زیستی کشور تبدیل شده است. ویدئوهایی که این روزها در فضای مجازی دست به دست می‌شود، گاه صحنه‌هایی با ناآگاهی را نشان می‌دهند؛ جایی که یک شوخی ساده یا بی‌احتیاطی انسانی، آغازگر یک فاجعه طبیعی می‌شود اما آنچه وضعیت را به مراتب نگران‌کننده‌تر می‌کند، آن دسته از حریق‌هایی است که نه از سر نادانی، بلکه از روی عمد و با نیت قبلی رخ می‌دهند.

در برخی از مناطق کشور، به‌ویژه در جنگل‌های زاگرس، شواهد و گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد برخی از آتش‌سوزی‌ها با هدف مشخصی انجام می‌گیرند: تبدیل جنگل‌ها به زمین زراعی یا گسترش مراتع برای پرورش دام. در این روش، سسودجویان با به آتش کشیدن منابع طبیعی، زمینه‌ساز تخریب زیستگاه‌های جنگلی می‌شوند تا پس از چندی، زمین سوخته را به‌عنوان ملک کشاورزی یا دامداری تصاحب کنند. این چرخه بیمار، طبیعت را می‌سسوزاند تا منفعتی کوتاه‌مدت را نصیب عده‌ای خاص کند. در برابر این سودجویی آشکار، چهره‌ای دیگر از جامعه ایرانی نمایان می‌شود. فعالان محیط‌زیست و منابع طبیعی، جوانان محلی و مردم عادی که بی‌هیچ تجهیزات تخصصی، با دستان خالی، شاخه درخت، پتوی خیس یا بطری آب به جنگ آتش می‌روند. این مردم، پهرمانان بی‌نام طبیعت‌اند اما برای همیشه نمی‌توان از آن‌ها انتظار فداکاری داشت، در شرایطی که فرآیندهای آموزش برای مقابله با آتش ناکافی‌ست و سیاست‌های بازدارنده، کارآمدی لازم را ندارند. طبق اعلام سازمان سازمان منابع طبیعی، در برخی استان‌ها همچون کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، فارس و لرستان، آتش‌سوزی‌های مشکوک به عمد در سال‌های اخیر افزایش یافته‌اند، اما مردم همچنان اولین نیروهایی هستند که وارد عمل می‌شوند، بی‌آنکه حمایتی اثرگذار و مداوم از آن‌ها وجود داشته باشد. بر همین مبنا اکنون بیش از هر زمان دیگر، نیاز به یک تحول جدی و اجرایی در برخورد قانونی با آتش‌افروزان عمدی، افزایش نیروی انسانی سازمانی و پایگاه‌های نظارتی در مناطق حساس، تقویت آموزش تخصصی داوطلبان، سرمایه‌گذاری در تأمین تجهیزات مقابله با آتش‌سوزی، استفاده از فناوری‌های نظارتی و از همه مهم‌تر، حمایت رسمی و منظم از انجمن‌های مردم‌نهادی که خط مقدم حفظ جنگل‌ها هستند، احساس می‌شود. یادمان باشد، حفاظت از جنگل‌ها و منابع طبیعی، تنها وظیفه یک سازمان یا نهاد خاص نیست؛ مسئولیتی ملی و جمعی است و در این میان، مردم ما همیشه نشان داده‌اند که وقتی مسئولان فقط فکر می‌کنند، شعار می‌دهند و دیر می‌رسند، آن‌ها زودتر تصمیم می‌گیرند و انجام می‌دهند اما نباید اجازه داد تا این حضور داوطلبانه، جایگزین مسئولیت‌های سازمان‌های متولی و نهادهای حاکمیتی شود.



آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱-برابر رای شماره ۱۲۸۰۹۴/۲۸۰۲۶۰۳۰۲۶۰۱۴ مورخ ۱۴۰۳/۲/۱۳ هیات اول متقاضی خانم زینب یزدخواستی به شناسنامه شماره ۲۸۴۰ کدملی ۱۲۸۷۲۶۵۰۱۴ فرزند محمد علی نسبت به ۷۵ سهم مشاع از ۲۰۸ سهم شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۰/۸۲۵ متر مربع از پلاک ثبتی شماره ۲۴۸ فرعی از ۱۵۱۷۷ اصلی واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان.

۲- برابر رای شماره ۲۸۰۹۵/۲۸۰۲۶۰۳۰۲۶۰۱۴ مورخ ۱۴۰۳/۲/۱۳ هیات اول متقاضی خانم فرشته یزدخواستی به شناسنامه شماره ۱۱۰۸ کدملی ۱۲۸۶۹۵۴۸۹۴ فرزند محمد علی نسبت به ۱۲۳ سهم مشاع از ۲۰۸ سهم شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۰/۸۲۵ متر مربع از پلاک ثبتی شماره ۲۴۸ فرعی از ۱۵۱۷۷ اصلی واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان مورد درخواست بموجب سند شماره ۱۴۶۹۹۲ مورخ ۱۳۸۸/۸/۵ دفترخانه ۲۲ اصفهان که متقاضی مالک مشاعی میباشد محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است. در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

حسین زمانی علویچه

رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۹۲۸۲۵۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷

آگهی

برابر رای شماره ۱۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۱/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی، مالکیت آقای محمد آویزگان به شناسنامه شماره ۳۷۲ کدملی ۱۲۸۴۴۴۵۲۸ صادره اصفهان فرزند اکبر در شش‌دانگ یک قطعه زمین محصور با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۸۸۷۲ متر مربع پلاک شماره ۳۴۳۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان به موجب بیه نامه عادی از طرف آقای اصغر یادگاری بهارنچی (مالک رسمی) به اکبر آویزگان واگذار گردیده است و سپس از طرف نامبرده اخیرالذکر به موجب بیه نامه عادی به متقاضی واگذار گردیده است و متقاضی نیز به موجب یک فقره استشهادیه محلی (و نیز مشروحه مورخ ۱۴۰۳/۱/۱۶) که به تأیید شهود محلی رسیده است اعلام داشته به مالک رسمی (آقای اصغر یادگاری بهارنچی) دسترسی ندارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند. مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید. طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

حسین عینی

رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۹۲۸۲۳۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷

شناسه آگهی: ۱۹۳۶۹۹۸

نوبت دوم

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی(فشرده) یک مرحله ای

شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان

شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان در نظر دارد مناقصه های عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق در گاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، باید مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی راجعت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ می باشد.

آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۹:۰۰ روزووشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

آخرین مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۲:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

زمان بازگشایی پاکت های ارزیابی کیفی: ساعت ۸:۰۰ صبح روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

هزینه درج آگهی روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف: آدرس اصفهان، خیابان ۲۲ بهمن، مجموعه اداری امیر کبیر، شرکت شهرکهای صنعتی استان اصفهان و تلفن ۰۳۱۲۶۴۴۲۰۰

۱-موضوع مناقصه: تهیه مصالح و اجرای شبکه ۴۰ کیلوولت شهرک صنعتی جیمزه

مبلغ برآورد اولیه: ۹۷۸۲۶,۹۸۳,۱۱۲ ریال و براساس فهراس بهای سال ۱۴۰۴ (سازمان برنامه و بودجه کشور (اعتبار طرح جاری)

مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۹,۳۴۴,۶۴۷,۰۰۰ ریال

رشته و پایه تشخیص صلاحیت پیمانکاران: رتبه ۵ یا بالاتر در رشته نیرو

مدت اجرا: ۶ ماه

۲-موضوع مناقصه: تهیه مصالح و اجرای شبکه روشنایی و کارگاهی شهرک صنعتی محمد آباد جرقویه

مبلغ برآورد اولیه: ۹۷۸۲۶,۹۸۳,۱۱۲ ریال و براساس فهراس بهای سال ۱۴۰۴ (سازمان برنامه و بودجه کشور (اعتبار طرح جاری)

مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۹,۳۴۴,۶۴۷,۰۰۰ ریال

رشته و پایه تشخیص صلاحیت پیمانکاران: رتبه ۵ یا بالاتر در رشته نیرو

مدت اجرا: ۶ ماه



ناکارآمدی سموم و تله‌ها در مهار موش‌های غول‌پیکر پایتخت

موش‌های تهران پادشاهی می‌کنند

● با وجود مصرف سالانه ۱۰ تن سم، آمار دقیقی از کنترل موش‌ها وجود ندارد. منطقه ۴ و ۵ بیشترین شکایت را ثبت کرده‌اند

● بیشتر لاشه‌های موش در فضاهای زیرزمینی باقی می‌مانند و دسترسی به آن‌ها ممکن نیست

سیمین برادران هفت صبح



افزایش بی‌سابقه جمعیت موش‌ها در تهران حالا دیگر فقط یک مشکل بهداشتی نیست؛ به مسئله‌ای چندوجهی با تبعات زیست‌محیطی، شهری و حتی فرهنگی تبدیل شده است. از موش‌هایی که به گفته یکی از اعضای شورای شهر «ندازه گربه شده‌اند»، تا مصرف سالانه بیش از ۱۰ تن سم و نگرانی از ورود لاشه‌ها و فضله‌ها به آب‌های جاری و منابع زیرزمینی؛ همه نشانه‌هایی است از بحرانی پنهان که آرام‌آرام دارد به سطح شهر سرریز می‌شود. در حالی که عضو شورای شهر تهران نسبت به ناکارآمدی روش‌های قدیمی هشدار می‌دهد، مدیر اداره کنترل جانوران مضر شهری از ورود سم قوی‌تر و همکاری دانشگاهی برای مهار علمی خبر می‌دهد و یک استاد دانشگاه تهران هم از آشفنگی چرخه طبیعی و آلودگی گسترده در سایه غذارسانی بی‌برنامه شهروندان پرده برمی‌دارد. این گزارش، روایتی‌ست از نبردی خاموش با جانورانی خاکستری، که نه‌تنها زنده بودندشان تهدیدی برای سلامت شهروندان است، بلکه حتی مرگشان هم بی‌خطر نیست.

● موش‌هایی به اندازه گربه!

ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، در صحن شورا به موضوعی اشاره کرد که حالا برای خیلی از شهروندان به یک نگرانی روزمره تبدیل شده؛ افزایش چشمگیر موش‌ها در سطح شهر. او گفت که ابعاد برخی از این چوندگان به اندازه‌ای رسیده که دیگر شباهشان با گربه دور از ذهن نیست. امانی با تأکید بر اینکه راه‌حل‌های قدیمی دیگر کارساز نیست، خواستار استفاده از شیوه‌های نوین و ورود



تجدید آگهی مزایده عمومی

شهرداری گرگان با استناد به ماده ۳۰ آئین نامه معاملات شهرداری ها در نظر دارد نسبت به فروش ۱۵ دستگاه اتوبوس فرسوده و غیر قابل استفاده بر مبنای پایه قیمت کارشناسی رسمی بصورت یکجا

شرح جدول ذیل از طریق مزایده عمومی اقدام نماید.لذا متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ لغایت

پایان وقت اداری مورخ

۱۴۰۴/۰۳/۲۶ به سایت اینترنتی به آدرس WwW.Setadiran.ir مراجعه نمایند .

تلفن تماس: امور قرارداده‌ا : ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲ سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر : ۰۱۷۳۲۴۲۱۳۰

مجید طاهری – سرپرست شهرداری گرگان



سازمان بهزیستی کشور
اداره کل بهزیستی استان مرکزی

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله خرید یک دستگاه دیزل ژنراتور

اداره کل بهزیستی استان مرکزی در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای خرید یک دستگاه دیزل ژنراتور با مشخصات فنی (TAD۲۲۲GE) (KVA۲۰۰) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق در گاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، باید مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی راجعت شرکت در مناقصه محقق سازند.

موضوع مناقصه: خرید یک دستگاه دیزل ژنراتوربا مشخصات فنی (TAD۲۲۲GE) (KVA۲۰۰) و بهره برداری کامل از دیزل ژنراتور اعم از کابل کشی ، ایجاد فونداسیون، فنس کشی نصب صحیح و استاندارد دودکش، نصب تابلو در صورت لزوم ، همگی موارد به شکل ایمن و اصولی مطابق مقررات ملی مربوطه

مبلغ و نوع تضمین:

مبلغ تضمین ۴,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال است که مناقصه گران می بایستی به روش مقرر در ماده ۴ آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ات/۱۳۳۴/۵ به مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ به نفع اداره کل بهزیستی مرکزی با مهلت ۳ماهه ارائه دهند. لازم به ذکر است پول نقد،چک پول ،چک تضمین شده و هر شکلی به غیر از موارد ذکر شده مردود می باشد.

– درصورتی که مناقصه گران قصد ارائه تضمین شرکت درمناقصه به شکل واریز به حساب تمرکز سپرده بهزیستی استان مرکزی را دارند لازم است مبلغ تضمین را به حساب شماره ۴۸۲-۷۵۲۰۴۵۰۱۰۰۰۰۴۵۰۱۰۰۰۰۴۵۰IRلواریز و فیش واریزی را تحویل امورمالی نمایند.

قیمت پایه مناقصه: ۲۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال

تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۲/۲۹

مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۴/۲/۲۹لغایت۱۴۰۴/۳/۷(ساعت ۱۴

مهلت ارائه پیشنهاد: لغایت مورخ ۱۴۰۴/۳/۱۷(ساعت ۱۴

زمان بازگشایی پاکت ها: روز ۱۴۰۴/۳/۱۸ ساعت ۱۰ صبح در محل اداره کل بهزیستی استان مرکزی

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه ۳۳۶۶۷۳۴۳

آدرس : اراک – میدان سرداران – خیابان دانشگاه – اداره کل بهزیستی استان مرکزی

حضور مناقصه گران یا نمایندگان آنها در جلسه بازگشایی بلامانع است .

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

روابط عمومی بهزیستی استان مرکزی

گزارشی از ترسناک ترین اتاق های فرار جهان که با سناریوهای روانی، جلوه های سینمایی و بازیگران زنده، ترس را واقعی می کنند

ترس را لمس کنید

- در اتاق فرار مک کامی منور، بازیکنان باید رضایت نامه ای ۴۰ صفحه ای امضا کنند تا وارد کابوس شوند

ملک میرمهدی
هفت صبح

اینجا جایی است که مرز میان بازی و واقعیت محو می شود؛ جایی که صداهای مرموز و نورهای لرزان، شما را در هیجان و دلهره ای تمام نشدنی گرفتار می کنند. آماده باشید برای سفری که قلبتان را به چالش می کشد تصور کنید در تاریکی محض، با صدای تپش قلب تان تنها مانده اید. چراغی سوسو می زند، صدای کشیده شدن چیزی روی زمین می آید و در پشت سر تان قفل شده است. شما وارد یکی از هیجان انگیز ترین و البته ترسناک ترین تفریحات مدرن جهان شده اید: اتاق فرار ترسناک اتاق های فرار یا Escape Rooms. چند سالی ست

MCKAMEY MANOR



«مک کامی منور» یکی از جنجالی ترین و ترسناک ترین اتاق های فرار جهان است. این تجربه که بیشتر شبیه یک آزمایش روانی است تا یک بازی تفریحی، شرکت کنندگان را در معرض شرایطی شدید و طاقت فرسا قرار می دهد. این جمله این شرایط می توان به غوطه خوردن در آب، حبس در فضاهای تنگ و تعامل با حشرات اشاره کرد. برای شرکت در این تجربه، افراد باید یک رضایت نامه ۴۰ صفحه ای امضا کنند و از مراحل غربالگری دقیق عبور کنند. با وجود وعده جایزه ۲۰ هزار دلاری برای اتمام موفقیت آمیز، تاکنون هیچ کس موفق به تکمیل این تجربه نشده است. این اتاق فرار به دلیل شدت و ماهیت تجربیاتش، مورد انتقادهای فراوانی قرار گرفته است.

THE 13TH GATE ESCAPE



«دروازه سیزدهم» در باتون روژ لوئیزیانا، به عنوان یکی از برترین و ترسناک ترین مجموعه های اتاق فرار در آمریکا شناخته می شود. این مجموعه با طراحی های بسیار دقیق و سینمایی، تجربه ای واقعی و نفسگیر از ترس و هیجان را برای بازیکنان رقم می زند. هر اتاق با داستانی متفاوت و منحصر به فرد ساخته شده است که بازیکنان را به دنیایی تاریک و پر از معما و رازهای ترسناک می برد.

یکی از اتاق های معروف این مجموعه، «تیمارستان» است؛ جایی که بازیکنان وارد فضایی شبیه بیمارستان روانی متروکه می شوند و باید با حل معماهای پیچیده و روبه رو شدن با ترس های روانی، راه فرار را پیدا کنند. اتاق «پرواز ۱۳» داستانی مرموز درباره یک هواپیمای ناپدید شده دارد که بازیکنان باید در کابین هواپیما، اسرار آن را کشف کنند و از اتفاقات هولناک جان سالم به در ببرند. همچنین اتاق «مقبره آنوبیس» با تم مصر باستانی و فضایی مرموز، حس کشف گنج و مواجهه با ارواح را به بازیکنان منتقل می کند. در تمام این اتاق ها، استفاده از نورپردازی حرفه ای، صداهای محیطی دقیق و جلوه های ویژه، فضایی غرق در تعلیق و ترس ایجاد می کند که تجربه ای متفاوت و به یادماندنی را برای شرکت کنندگان رقم می زند. همکاری تیمی، هوش و شجاعت بازیکنان، کلید موفقیت در این بازی های پیچیده و مهیج است. «دروازه سیزدهم» با استانداردهای بالای طراحی و اجرای بازی، به یکی از مقاصد اصلی عاشقان اتاق فرار تبدیل شده است.

که دنیا را تسخیر کرده اند؛ تفریحی ترکیبی از معما، ماجراجویی و بازیگری زنده. اما شاخه ای از این سرگرمی به طرز خطرناکی محبوب شده: اتاق هایی که برای وحشت زده کردن شما طراحی شده اند. از سلول های شکنجه قرون وسطایی گرفته تا پناهگاه های آخرالزمانی، طراحان این اتاق ها از تکنولوژی، روانشناسی و صحنه پردازی حرفه ای استفاده کرده اند تا ذهن و اعصاب شما را به چالش بکشند. در این گزارش ویژه، به سراغ ۹ مورد از ترسناک ترین اتاق های فرار جهان رفته ایم؛ جایی که حتی شجاع ترین بازیکنان با چشمانی گریان تسلیم شده اند. اگر قلبی قوی دارید، این صفحه را از دست ندهید. اگر نه، هنوز هم می توانید پشت همین صفحه روزنامه، لرزش دستان بازماندگان را حس کنید...



THE BASEMEN



«زیرزمین» در لس آنجلس، یکی از تجربه های منحصر به فرد و بی نظیر در جهان اتاق های فرار با تم ترسناک به شمار می رود. برخلاف بسیاری از اتاق های فرار که تنها از دکور و معماهای مکانیکی بهره می برند، «زیرزمین» به استفاده از بازیگران زنده و حرفه ای، جلوه های ویژه هالیوودی و روایت داستانی پیچیده و غنی، بازیکنان را کاملاً در فضای ترسناک و پر تعلیق خود غرق می کند. داستان این اتاق حول محور یک قاتل زنجیره ای مخوف می چرخد که بازیکنان نقش قربانیان احتمالی او را دارند و باید در مدت زمان محدود، با حل معماها و تعامل با بازیگران، راه فرار از این محیط تاریک و خوفناک را پیدا کنند. حضور بازیگران زنده باعث می شود هر لحظه اتفاقات غیرمنتظره ای رخ دهد؛ از تعقیب های نفسگیر تا مواجهه های نزدیک با شخصیت های ترسناک، که همه این ها باعث افزایش سطح هیجان و اضطراب بازیکنان می شود. فضای زیرزمینی، تاریک و پر از گوشه های سایه دار، همراه با صداهای مبهم و ترسناک، به خوبی حس دلهره و تنش را منتقل می کند. بازیگران با واکنش های زنده و چالش های روانی، تعامل مستقیمی با بازیکنان دارند. که تجربه ای کاملاً واقعی و متفاوت از یک اتاق فرار معمولی ایجاد می کند. «زیرزمین» نه تنها یک بازی فکری، بلکه سفری به عمق ترس و هیجان است که ذهن و حس های شما را به طور کامل درگیر می کند.

PARANOID QUEST



«پارانویا کوئست» در آتلانتا جورجیا، مجموعه ای بی نظیر و هیجان انگیز از اتاق های فرار با تم های متنوع و ترسناک است که طرفداران ژانر وحشت و معماریا به خود جذب می کند. این مجموعه با تمرکز بر ایجاد تجربه ای عمیق و روانشناسانه، فضایی متفاوت و پر تعلیق را برای بازیکنان خلق می کند که فراتر از یک بازی فرار معمولی است. یکی از مشهورترین و جذاب ترین اتاق های این مجموعه، «از قتل» نام دارد؛ داستانی پیچیده که بازیکنان را به دنیایی پر رمز و راز رویاهای یک قربانی می برد. در این تجربه، شرکت کنندگان باید با ورود به ذهن و رویاهای قربانی، ردپاهای پنهان را کشف کنند و با حل معماهای متعدد و پیچیده، هویت قاتل را پیدا کنند. ترکیب تکنولوژی پیشرفته، از جمله نورپردازی های هوشمند، صداگذاری های سه بعدی و جلوه های بصری قدرتمند، به ایجاد فضایی واقعی و تعاملی کمک می کند که حس حضور در یک کابوس زنده را به بازیکنان منتقل می کند.

«اتاق بدون خروج» در هانوفر آلمان، یکی از تجربه های ترسناک و پرهیجان اروپا به شمار می رود که با فضایی سینمایی و دلهره آور، بازیکنان را وارد دنیایی از رمز و راز و وحشت می کند. این اتاق با سناریوهایی الهام گرفته از داستان های واقعی و موقعیت های اضطراب آور مانند «آزمایشگاه ویروس»، «آغاز قیامت» و «تفرین شده» طراحی شده است.

در یکی از محبوب ترین اتاق ها، بازیکنان وارد یک مرکز تحقیقات متروکه می شوند که در آن آزمایش های سری ژنتیکی روی انسان ها صورت گرفته است. وظیفه بازیکنان کشف حقیقت پشت پرده، نجات افراد گرفتار و البته فرار از کابوس وحشتناک این مکان است. در طول بازی، باید با درهای قفل شده، صداهای ناگهانی، پیام های رمزآلود و نورهای لرزان دست و پنجه نرم کنید. برخی از چالش ها شامل بازی با زمان، رمزگشایی ترکیب های شیمیایی و تعامل با عناصر متحرک محیطی است که نیاز به تمرکز، همکاری تیمی و شجاعت دارند. استفاده از نورپردازی خفیه، موسیقی تنش زا و دکورهای شبیه صحنه های فیلم های ترسناک، تجربه ای عمیق و غوطه ورکننده ایجاد کرده که نه تنها هوش، بلکه اعصاب شما را نیز به چالش می کشد. این اتاق فرار برای افرادی که به دنبال هیجانی واقعی و تجربه ای متفاوت هستند، یکی از گزینه های بی رقیب است.

PINIQ ROOM



«بانیک روم» بوداپست مجارستان، یکی از پیشگامان اتاق های فرار در اروپا است که در ۱۵ مارس ۲۰۱۲ افتتاح شد و به سرعت به یکی از محبوب ترین مقاصد تفریحی شهر تبدیل گردید. این مجموعه با بیش از ۱۳ اتاق متنوع، تجربه هایی هیجان انگیز و دلهره آور را برای بازیکنان فراهم می کند. از جمله تم های معروف آن می توان به اتاق های الهام گرفته از فیلم اره و اتاق کابوس که در تاریکی مطلق برگزار می شود و اتاق هایی با الهام از سریال های تلویزیونی مانند «بازی تاج و تخت» اشاره کرد. طراحی دقیق دکورها، استفاده از فناوری های پیشرفته و معماری چالش برانگیز، این اتاق ها را به تجربه ای فراموش نشدنی تبدیل کرده است. علاوه بر اتاق های سنتی، بانیک روم اتاق های واقعیت مجازی (VR) نیز ارائه می دهد که بازیکنان را به دنیایی مجازی و پر از رمز و راز می برد. این مجموعه با ارائه تجربه هایی متنوع و جذاب، جایگاه ویژه ای در میان علاقه مندان به اتاق های فرار در اروپا یافته است.

BREAKOUT

تعلیق و وحشت را به طرز ماهرانه ای تقویت می کند و بازیکنان را در فضای مرموز و پرابهام غوطه ور می سازد. تم های متنوع این اتاق، از زندان های متروکه گرفته تا آزمایشگاه های مرموز و اتاق های شکنجه، بازیکنان را با معماهای پیچیده و چالش برانگیز روبه رو می کند که برای حل آن ها نیاز به همکاری گروهی، تمرکز و هوش بالا دارند. طراحی حرفه ای فضا و صداهای محیطی دقیق، تجربه ای فراموش نشدنی و واقعی را به علاقه مندان اتاق های فرار ارائه می دهد. «بریک اوت» نه تنها یک بازی فرار است، بلکه سفری هیجان انگیز به عمق ترس و اضطراب است که برای هر کسی که دنبال تجربه فرار واقعی و پرهیجان می گردد، انتخابی بی نظیر محسوب می شود.



13TH HOUR

«ساعت سیزدهم» در نیوجرسی، به عنوان یکی از ترسناک ترین و معتبرترین تجربه های اتاق فرار در سراسر کشور شناخته می شود. این مجموعه با ترکیب بی نظیر بین اتاق فرار و خانه وحشت، فضایی منحصر به فرد و پر از هیجان و دلهره برای شرکت کنندگان خلق می کند که فراتر از یک بازی معمولی است. «ساعت سیزدهم» در دو طبقه گسترده طراحی شده است که هر طبقه به نوعی نمایانگر دنیایی از ترس خالص و وحشت بی وقفه است. بازیکنان در این مجموعه با عروسک های زنده و موجودات شکنجه گر مواجه می شوند که به صورت تعاملی در طول بازی حضور دارند و با حرکات و رفتارهای غیرمنتظره خود، ترس و اضطراب را به اوج می رسانند. فضای تاریک و سرد، همراه با نورپردازی محدود و موزیک فراموش نشدنی از ترس و هیجان را به ارمغان می آورد. دکورهای سینمایی و جلوه های ویژه حرفه ای از دیگر ویژگی های برجسته «ساعت سیزدهم» هستند که هر اتاق را به یک اثر هنری دلهره آور تبدیل کرده اند. معماهای پیچیده و چالش برانگیز که در بطن

NOEXIT ROOM



05



03

07

THE EXPERIMENT ESCAPE ROOM



08

«اتاق فرار آزمایش» در مادرید اسپانیا، یکی از تجربه های منحصر به فرد و ترسناک در دنیای اتاق های فرار است. این اتاق با طراحی واقع گرایانه و دکورهای دقیق، فضایی تاریک و پر از رمز و راز را خلق کرده است. بازیکنان در این اتاق با معماهای پیچیده و چالش برانگیز مواجه می شوند که نیاز به همکاری تیمی و تفکر خلاق دارند. ترکیب نورپردازی کم، صداهای مرموز و جلوه های ویژه، تجربه ای فراموش نشدنی از ترس و هیجان را ارائه می دهد. این اتاق فرار با استفاده از فناوری های پیشرفته و داستان سسرای قوی، بازیکنان را درگیر داستانی تاریک و پر از تعلیق می کند. اگر به دنبال تجربه ای متفاوت و دلهره آور هستید، اتاق فرار «تجربه» در مادرید را از دست ندهید.

09

«ساعت سیزدهم» در نیوجرسی، به عنوان یکی از ترسناک ترین و معتبرترین تجربه های اتاق فرار در سراسر کشور شناخته می شود. این مجموعه با ترکیب بی نظیر بین اتاق فرار و خانه وحشت، فضایی منحصر به فرد و پر از هیجان و دلهره برای شرکت کنندگان خلق می کند که فراتر از یک بازی معمولی است. «ساعت سیزدهم» در دو طبقه گسترده طراحی شده است که هر طبقه به نوعی نمایانگر دنیایی از ترس خالص و وحشت بی وقفه است. بازیکنان در این مجموعه با عروسک های زنده و موجودات شکنجه گر مواجه می شوند که به صورت تعاملی در طول بازی حضور دارند و با حرکات و رفتارهای غیرمنتظره خود، ترس و اضطراب را به اوج می رسانند. فضای تاریک و سرد، همراه با نورپردازی محدود و موزیک فراموش نشدنی از ترس و هیجان را به ارمغان می آورد. دکورهای سینمایی و جلوه های ویژه حرفه ای از دیگر ویژگی های برجسته «ساعت سیزدهم» هستند که هر اتاق را به یک اثر هنری دلهره آور تبدیل کرده اند. معماهای پیچیده و چالش برانگیز که در بطن



فرجی و کشاورزی مدال های خوش رنگی در سطح قاره به دست می آورند. من هم خیلی خوشحالم که خودم هم توانستم پیشرفت خوبی داشته باشم.»

شغل دیگری ندارم
ندا شهسواری تمام وقتش را صرف ورزش و تنیس روی میز می کند. خودش در این رابطه گفت: «زندگی من تقریباً همیشه تک بعدی بوده و تمام تمرکزم روی پیینگ بنگ بوده است. شغل دیگری هم نداشته و ندارم.»

مسابقات انتخابی
او در ادامه با اشاره به شرایط این روزهایش گفت: «در حال حاضر برای مسابقات انتخابی تیم ملی که در تهران برقرار می شود، خودم را آماده می کنم. امیدوارم بتوانم به عضویت تیم ملی در بیام و بتوانیم برای مسابقات کشور های اسلامی که همراه برقرار می شود، آماده شویم.»



گفت و گو با

ندا شهسواری

قهرمان

تنیس روی میز

۱۰ سال جنگیدم

برای رسیدن به جایی که هستیم از خوشی های زندگی، مهمانی ها، عروسی ها، روابط فامیلی و مسافرت تفریحی گذشتیم تا بتوانم همیشه روی فرم بمانم

ندا شهسواری قهرمان تنیس روی میز ایران، این روزها در ترکیه همراه تیم باشگاهی اش مشغول تمرین و آماده سازی است. او سه بار سابقه حضور در رقابت های المپیک را دارد و رکورددار حضور در این مسابقات، در بخش زنان است. این قهرمان تنیس روی میز در سال ۱۳۶۵ در کرمانشاه و در یک خانواده کاملاً ورزشی و اهل تنیس روی میز به دنیا آمد. ندا از هفت سالگی پیینگ بنگ را شروع کرد و در ۱۵ سالگی به عضویت تیم ملی زنان تنیس روی میز در آمد و در سال ۲۰۱۲ به عنوان اولین زن تنیس روی میز ایران سهمیه حضور در المپیک لندن را به دست آورد. او سپس در المپیک ریو ۲۰۱۶ و در سال ۲۰۲۴ با قهرمانی در رقابت های آسیای میانه برای سومین بار به المپیک رسید. او یکی از پرچمداران ایران در المپیک پاریس بود و این اتفاق را در ۳۷ سالگی رقم زد. او اکنون در کشور ترکیه در رقابت های قهرمانی جهان در قطر توانست قهرمان قزاقستان را شکست بدهد هر چند بعد از باخت مقابل حرفه ای کره جنوبی از مسابقات کنار رفت. با این وجود روز گذشته فدراسیون جهانی تنیس روی میز اعلام کرد که او در رنکینگ جهانی ۵۴ پله صعود کرده و در رده ۱۶۱ قرار گرفت.

پاسخ به انتقادات
با وجود تمام تلاش ها اما مساهواره انتقادهایی نیز وجود داشته است؛ به خصوص در سال های اخیر که نقدهایی نسبت به ندا شهسواری از سوی برخی رسانه ها و کارشناسان مطرح شد. خودش در این ارتباط گفت: «انتقاد همیشه وجود دارد. نزدیک به ۱۰ سال است که به من انتقاد می کنند. خیلی از عزیزان به من لطف دارند چون با این انتقادهای نادرست شان، به من انگیزه می دهند و باعث می شوند که جدی تر و بهتر تمرین می کنم. ۱۰ سال است دارم انتقادهای را می شنوم. ۱۰ سال پیش می گفتند که شهسواری باید تنیس روی میز را کنار بگذارد، سنش بالا رفته.... اما می بینید که در دنیا جوردن باروز که یک کشتی گیر بزرگ بود تا چه سنی ادامه داد و در

آماده سازی در ترکیه
او در ارتباط با شرایط این روزهای خودش گفت: «در حال حاضر مشغول رقابت های باشگاهی در لیگ ترکیه هستم. از طرفی خودم را برای مسابقات انتخابی تیم ملی جهت حضور در بازی های آسیایی و رقابت های کشورهای اسلامی آماده می کنم.»

برد انتقامی
شهسواری در رقابت های جهانی قطر موفق شد حریف قزاقستانی اش را در انتخابی المپیک با دو مسابقه داده بود با اقتدار و پانزیمه ۴ بر صفر شکست بدهد. او در این ارتباط گفت: «در مسابقات جهانی خدا را شکر بازی خوبی مقابل قهرمانی قزاقستانی داشتیم. او همان حرفه ای بود که فینال انتخابی المپیک با او مسابقه داده بود. خوب بازی انتخابی المپیک به خاطر استرس بالایی که دارد سنگین تر است، به همین دلیل بازی نزدیک تری از آب در آمد. این بار اما خدا را شکر مقتدرانه پیروز شدم.

سن فقط عدد است
ندا شهسواری سال هاست که خودش را در سطح اول تنیس روی میز زنان ایران و آسیا حفظ کرده است. او اکنون ۳۸ ساله است و با وجود سنگین بودن ورزش های حرفه ای و المپیکی گماکان یکی از امیدهای اصلی برای رسیدن به پیراهن تیم ملی به حساب می آید. خودش در این ارتباط و درباره رمز و راه های موفقیت در این سن و سال گفت: «برای رسیدن به اینجایی که هستم (با وجود سن و سالم) از خوشی های زندگی گذشتم. مهمانی ها، عروسی ها، روابط فامیلی و خیلی از تفریحات را از دست دادم. من از مسافرت تفریحی گذشتم تا بتوانم همیشه روی فرم بمانم. همیشه در حال مطالعه و تحقیق در علم روز دنیا هستم و همیشه سعی دارم که تکنیکم را به روز کنم. تمام تلاشم را می کنم که از نظر فیزیکی خودم را روی فرم نگه دارم.

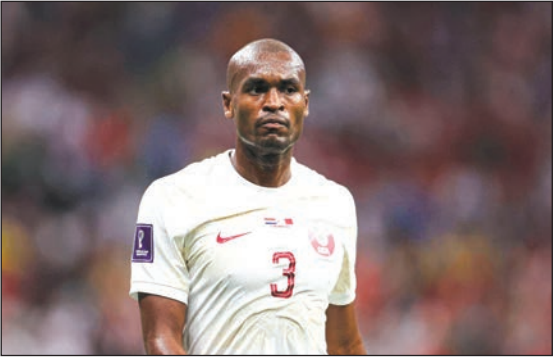
این پیینگ بنگ است
خیلی وقت ها اهالی ورزش های دیگر پیینگ بنگ را به عنوان ورزشی سبک مثال می زنند. نمونه اش امیر قلعه نویی سرمربی فعلی تیم ملی که چندباری برای اینکه خوشونت و خوردهای فوتبال را توجیه کند از این اصطلاح استفاده کرده است: «فوتبال است و پیینگ بنگ نیست.» که البته این حرف های عامیانه ریشه علمی ندارد. قهرمان تنیس روی میز زنان ایران که سه تجربه حضور در المپیک را دارد بار دین ادعاها گفت: «برخلاف باور و دیدگاه عموم مردم، پیینگ بنگ ورزشی است و وابسته به بدنسازی و بدنسازی دشواری هم دارد.»

ثروت حیرت انگیز مدافع سابق بر سیولیس

کریم عبدالحسن آسیار ا تکان داد

در دنیای مدرن فوتبال، دیگر ارزش یک بازیکن فقط با تعداد گل ها یا بازی ها سنجیده نمی شود؛ بلکه ثروت و مسیر حرفه ای اش تبدیل به آینده ای واقعی برای سسنجش جایگاه و تأثیرگذاری اش درون و بیرون زمین شده است. عبدالکریم حسن، یکی از چهره های برجسته فوتبال قطر، نمونه ای از بازیکن مدرنی است که با ترکیب مهارت ورزشی و هوش مالی، ثروتی غیرمنتظره برای خود ساخت و به سوزه داغ هواداران و شبکه های اجتماعی تبدیل شد.

مسیر حرفه ای درخشان
عبدالکریم حسن فوتبال را از آکادمی السد در سال ۲۰۰۷ آغاز کرد. از سال ۲۰۱۰ به تیم بزرگسالان السد پیوست و تا سال ۲۰۲۲ در این تیم ماند. در این مدت ۱۹۰ بازی انجام داد و ۲۹ گل به ثمر رساند. در فصل ۲۰۱۸-۲۰۱۷ تجربه ای کوتاه در فوتبال اروپا با تیم «پوین» بلژیک داشت و در ۱۰ بازی، یک گل زد. سپس به الجهراء کویت پیوست و پس از آن به پرسپولیس ایران رفت. سرانجام در سال ۲۰۲۴ به لیگ ستارگان قطر بازگشت و پیراهن الوکره را بر تن کرد.



دوران ملی عبدالکریم حسن
عبدالکریم حسن از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ عضو تیم ملی جوانان قطر زیر ۲۰ سال بود و در ۵ بازی یک گل به ثمر رساند. او بین سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ برای تیم ملی امید قطر (زیر ۲۳ سال) نیز بازی کرد و در ۹ مسابقه، ۴ گل زد. از سال ۲۰۱۰ تاکنون، برای تیم ملی بزرگسالان قطر ۱۳۳ بار به میدان رفته و ۱۵ گل به ثمر رسانده است. او یکی از ستاره های اصلی قطر در قهرمانی تاریخی این تیم در جام ملت های آسیا ۲۰۱۹ بود. **افتخارات و جوایز برجسته**
در سال ۲۰۱۸، موفق به کسب جایزه بهترین بازیکن آسیا شد؛ افتخاری نادر برای یک مدافع چپ. قهرمان جام ملت های آسیا ۲۰۱۹ به همراه نسل طلایی تیم ملی قطر. فتح ده ها جام داخلی با باشگاه السد و حضور مستمر در لیگ قهرمانان آسیا. **ثروت شگفت انگیز**
به لطف حرفه ای گری بسال، انتخاب های هوشمندانه در نقل و انتقالات، قراردادهای اسپانسر و پادشای بین المللی، ثروت عبدالکریم حسن تا سال ۲۰۲۵ حدود ۸ تا ۱۷ میلیون دلار آمریکا تخمین زده می شود؛ بنا بر گزارش ها این رقم بازتابی از سرمایه گذاری موفق و جایگاه ویژه او به عنوان یک بازیکن استثنایی در فوتبال قطر و آسیاست.

گزارش ویژه

چه اتفاقی افتاد و قربانیان و مظنون چه کسانی هستند؟

تصادف خودرو در رژه قهرمانی لیورپول

در حادثه ای تکان دهنده که عصر دوشنبه (۵ خرداد) در جریان رژه قهرمانی تیم فوتبال لیورپول رخ داد، خودرویی با جمعیت هواداران برخورد کرد و باعث زخمی شدن دست کم ۴۷ نفر شد، از جمله چهار کودک. این حادثه در خیابان «واتر استریت» در مرکز شهر لیورپول و تنها ۱.۶ کیلومتر پیش از پایان مسیر ۱۶ کیلومتری رژه رخ داد.



بیشتری درباره انگیزه او تاکنون منتشر نشده است.

«چه اتفاقی افتاد؟

حدود ساعت ۶ عصر (به وقت محلی)، خودرویی با جمعیتی از هواداران لیورپول که برای تماشای رژه بازیکنان تیم در یک اتوبوس روباز تجمع کرده بودند، برخورد کرد. ویدیوهایی در شبکه های اجتماعی منتشر شد که نشان می داد خودرو با حرکات زیگزاگ از میان جمعیت عبور می کرد و برخی افراد به هوا پرتاب می شدند. پس از توقف خودرو، مردم خشمگین به سمت آن حمله رو شدند و شیشه های آن را شکستند، اما پلیس وارد عمل شد و از تعرض به راننده جلوگیری کرد.

«مظنون کیست؟

پلیس اعلام کرده یک مرد ۵۳ ساله بریتانیایی سفیدپوست از منطقه لیورپول را که به عنوان راننده خودرو و شناخته شده، با داذشت کرده اند. اطلاعات

پیشینه ای غم انگیز در تاریخ لیورپول
متأسفانه این نخستین بار نیست که هواداران لیورپول در چنین حوادثی آسیب می بینند:

فاجعه هیسل (۱۹۸۵): در فینال جام باشگاه های اروپا، حمله هواداران لیورپول به طرفداران یوونتوس منجر به مرگ ۳۹ نفر و مجروح شدن ۶۰۰ نفر شد.
فاجعه هیلزبورو (۱۹۸۹): از دحام جمعیت در استادیوم هیلزبورو ۹۷ هوادار لیورپول را به کام مرگ کشاند.
حمله به شان کاکس (۲۰۱۸): در آستانه نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا، این هوادار توسط طرفداران رم در نزدیکی استادیوم انفیلد مورد ضرب و شتم قرار گرفت و دچار آسیب مغزی شدید شد.

این سابقه ها نشان می دهد که اگر چه فوتبال برای لیورپولی ها نماد غرور و اتحاد است، اما بارها به دلیل سوءمدیریت، درگیری یا حوادث غیرمنتظره، لحظات تلخی را تجربه کرده اند. حادثه اخیر یکی از همین موارد است که شادی یک قهرمانی تاریخی را به غم بدل کرد.

«اقدامات نهادهای امدادی چه بود؟

پلیس، آمبولانس های خدمات اورژانس شمال غرب (NWS) و نیروهای آتش نشانی بلافاصله در محل حاضر شدند. سه ماشین آتش نشانی برای کمک به بیرون آوردن مصدومان از زیر خودرو اعزام شد. بیماران به بیمارستان های مختلف از جمله رویال لیورپول، ادلر هی، اروو پارک و اینترتی منتقل شدند. یک تیم پزشکی هوایی و امداد ویژه نیز در محل حاضر شدند.

«واکنش ها چگونه بود؟

نخست وزیر بریتانیا، کی ری استارمر، این حادثه به عنوان یک «حادثه تروریستی» تلقی نمی کند. جنی سیمز، معاون موقت رئیس پلیس گفت: «این یک حادثه است و در حال حاضر فرد دیگری تحت تعقیب نیست». مقامات شورای شهر لیورپول نیز از مردم خواستند که از گمانه زنی پرهیز کرده و اجازه دهند پلیس تحقیقات خود را انجام دهد.



حاشیه

واکنش گسترده به قهرمانی فترباغچه در اروپا

اسماعیل کار تال: قلب، عقل، انضباط



در مرحله نهایی چهار تیم برتر (فاینال فور) که در سالن اتحاد شهر ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی برقرار شد، تیم بسکتبال فترباغچه بکو ابتدا تیم پاناتینایکوس آکتور را شکست داد و سپس در دیدار فینال با غلبه بر موناکو، قهرمان اروپا شد. تیم فترباغچه بکو با قهرمانی در فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۵ لیگ بسکتبال یورولگ، برای دومین بار جام معتبر قهرمانی اروپا را به بهترین افتخارات خود افزود. پس از این قهرمانی، بسیاری از چهره های سرشناس ورزش ترکیه واکنش نشان دادند و پیام تبریک فرستادند. اسماعیل کار تال: «قلب، عقل، انضباط!» اسماعیل کار تال، سرمربی سابق تیم فوتبال فترباغچه که اکنون هدایت پرسپولیس ایران را برعهده دارد، در حساب ایکس (توییتر سابق) خود نوشت: «قهرمانی تیم بسکتبال مردان فترباغچه بکو در یورولگ را از مصیم قلب تبریک می گویم. در زمین، عقل، قلب و انضباط پیروز شدند. تبریک به ساروناس یاسکیوچوس و تیمش. شما بر قله اروپا ایستاده اید!»

نگرانی خانواده بکهام از عروشان این رابطه ناسالم است
منابع نزدیک به خانواده دیوید بکهام فاش کرده اند که آنها نگران رابطه بروکلین (۲۶ ساله) و همسرش نیکولا پلتز هستند و این رابطه را «ناسالم» توصیف می کنند. به گفته این منابع، نیکولا در حال جدا کردن بروکلین نه تنها از والدینش (دیوید و ویکتوریا)، بلکه از دوستان و سایر اعضای خانواده نیز هست. بروکلین در پستی اینستاگرامی با انتشار ویدیویی از خود و نیکولا روی موتورسیکلت در کالیفرنیا، وفاداری خود به همسرش را اعلام کرد و نوشت: «دنیای من، همیشه تو را دوست خواهم داشت، همیشه تو را انتخاب می کنم عزیزم. تو بهترین شخصی هستی که می شناسم، من و تو تاابد کنار هم هستیم.»

روزنامه «میرور» گزارش داد که دوستان خانواده بکهام این رفتار بروکلین را ناامیدکننده اما غیرمنتظره توصیف کرده اند. یک منبع نزدیک به خانواده گفت: «آنها معتقدند نیکولا در حال ایجاد تنش های غیرواقعی با بزرگنمایی مشکلات برای جدا کردن بروکلین از خانواده است.» این منبع افزود: «بروکلین مستقل است، اما نیکولا کنترل اوضاع را در دست دارد و ظاهراً می خواهد او را مجبور به انتخاب بین خانواده و خودش کند.» از سوی دیگر، منابع نزدیک به نیکولا ادعا می کنند که او به عنوان یک «غریبه وارد خانواده بکهام شده»، به بروکلین کمک کرده تا سوز رفتارهای عاطفی و محیط سمی خانواده را ترشیش دهد. برخی منابع اختلافات را به رابطه رومئو (برادر بروکلین) با دختری مربوط می دانند که قبلاً با بروکلین رابطه داشته است. بعدها این بحث به اتهامات نادرست درباره تربیت فرزندانش توسط دیوید و ویکتوریا کشیده شد. خانواده بکهام این ادعاها را رد کرده و می گویند نیکولا مدام داستان را تغییر می دهد تا بروکلین را از خانواده دور نگه دارد. کروز (۱۸ ساله) در حمایت از والدینش پستی منتشر کرد و نوشت: «همنون پدر و مادر برای همیشه مراقب خانواده بودن، در هر شرایطی.» به نظر می رسد درگیری بین بروکلین و خانواده اش در حال عمیق تر شدن است، در حالی که نیکولا همچنان بر مواضع خود پافشاری می کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سر دبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری و: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید دادگری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: بابک نبی، دبیر بین الملل: رامتین لطیفی،
ویراستار: فرزانه اختیاری و مر تفسی کیلیلی

هفت صبح

پازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
ممنوع وقابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی (۹۸۸۶۴۴۳۵) شماره پیاپی: ۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
اذان صبح: ۰۳:۰۸ | طلوع آفتاب: ۰۴:۵۱ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۲ | اذان مغرب: ۱۹:۳۲

فرهنگ پول و پله

پول مول

مهدی فرج‌اللهی
شاعر و طنزپرداز

در این مطلب می‌خواهم درباره پول و تاریخچه آن برایتان بگویم. ببینیم از کی و کجا سر و کله این بزرگوار در زندگی بشر پیدا شد؟ همان پولی که بعضی‌ها می‌گویند چرک کف دست است و همان بعضی‌ها همان دست‌شان در جیب آن و آن است. بشر در زمان‌های قدیم وقتی چشمش چیزی را می‌گرفت و زورش به صاحب آن نمی‌رسید کالا را با کلا معامله می‌کرد. مثلا فرش دستیافت را می‌داد و به جایش یخچال ساید می‌گرفت. پس از مدتی کالاهایی که ارزش بیشتری داشتند حکم پول را پیدا کردند. یعنی آن کالا را به طور مشخص با هر کالای دیگری می‌توانست تاخت بزنند. برای مثال در یونان قدیم، گاو و در سریلانکا،فیل، حکم پول را داشت. با این حساب بانک‌شان گاوداری بوده و گاوپران‌ها و فیل‌بانان صاحب منصبان دنیای اقتصاد روزگار خود بوده‌اند. درباره دشواری‌های این نوع بانک‌داری جناب سعدی فرموده‌اند که:

دوستی با پیل‌بانان یا مکن یا طلب کن
خانهای در خورد پیل

این دو بزرگوارى که ذکر خیرشان شد، در هیچ کيف پولی جانی‌شندند.به‌همین خاطر برای اولین بار در بین‌النهرین، همین کشور دوست و همسایه به عراق خودمان؛ از طلا و نقره سکه‌درست کردند.اسکناس هم تقریبا ۱۰۰۰ سال پیش برای اولین بار در چین استفاده شد.

همین که اسکناس رواج پیدا کرد بانکری‌ها در اعماق وجود خود پانگیوی و دست‌افشانی کردند. به طور متوسط سه هزار نوع بانکری

کوچه موسیقی

اگر هنوز هم کودک درون شما زنده است، اگر خاطره شنیدن قصه‌های شبانه و زمزمه‌های دلنشین مادران، گوشه‌ای از ذهن‌تان را گرم نگاه داشته و اگر دل‌تان می‌خواهد هنر را در تلفیقی بی‌نظیر از داستان و موسیقی، بار دیگر تجربه کنید، جمعه این هفته را از رونمایی و جشن امضای آلبوم کتاب موسیقی «پیترو گرگ» با حضور نام‌هایی در خشان، نهم خردادماه از ساعت

۱۸ تا ۲۰ ت سالن استاد ناصری خانه هنرمندان ایران بر گزار می‌شود؛ شبی که بی‌تردید، هم برای کودکان امروز و هم بزرگسالان دیرروز، فراموش‌نشدنی خواهد بود. «پیترو و گرگ» شاهکاری ماندگار از سرگئی پرو کفیف، موسیقیدان برجسته روسی-اوکراینی است؛ اثری که همیشه گرگون کرد. پرو کفیف با الهام از خاطرات شیرین کودکی و نگاه انسانی و عمیقش به دنیای کودکان، داستان پسرپچه‌ای باهوش و ماجراجو به نام پیترو را روایت می‌کند؛ پستری که در کنار پدربزرگ دوست‌داشتنی‌اش، در دل علفزاری سرسبز و در کلبه‌ای روستایی و دلپذیر زندگی می‌کند. در مزرعه و حیاط خانه، حیوانات مهربان و بازگویشی همدم روزهای او هستند و پیترو تقریبا هر جا که دلش بخواهد، می‌تواند آزادانه قدم بگذارد جز یک جا؛ چراکه پدربزرگ همواره با لحنی جدی به او هشدار داده که به هیچ عنوان از دری که به جنگل باز می‌شود، عبور نکنند. پشت آن در، خطری نهفته است؛ گرگی گرسنه و مرموز.

اما سرانجام روزی فرا می‌رسد که کنج‌کاوی کودکان و روح ماجراجوی پیترو او را به سمت جنگل می‌کشاند. او با پرندۀ کوچک و قرمز رنگی همراه و در دل جنگل با اردک و گربه نیز آشنا می‌شود. ناگهان گرگ با هیبتی ترسناک ظاهر می‌شود، اردک بیچاره را می‌بلعد و تهدیدی جدی برای پرندۀ گربه و حتی خود پیترو می‌شود اما قصه اینجا به پایان نمی‌رسد؛ چراکه پیترو با هوش و شجاعت و البته با کمک پرندۀ سرخ، موفق می‌شود نقشه‌ای برای به دام انداختن گرگ بچینند. او گرگ را به دام می‌اندازد و آن را به شکارچیان می‌سپارد و این‌سپیسروزی، آزادی همیشگی‌اش را برای بازی در جنگل به ارمغان می‌آورد... اما راز ماندگاری این قصه، تنها در داستانش نهفته نیست؛



محمد حاجی مومنی
هفت صبح

حواس خودش برای هدایتش بهره می‌بریم. این روش، پایدارتر و ایمن‌تر است و به جانور هم آسیب نمی‌زند.» کلید کار کلاه‌خودهای کوچکی است که مثل یک میک با ماسک ویژه روی سر سوسک نصب می‌شود؛ کلاه‌خودی که به چراغ‌های کوچک فرابنفش مجهز است. این چراغ‌ها به کوله‌پشتی بی‌سیم متصل‌اند که به سوسک وصل می‌شود. کوله‌پشتی مجهز به حسگرهایی است که توقف سوسک را شناسایی می‌کند و به محض ایستادن، چراغ فرابنفش را روشن می‌کند. همین یک ترفند ساده، رفتار مشهور بسیاری از حشرات را فعال می‌کند: نفرت و فرار از نور فرابنفش یا واکنش نشان نمی‌داد. اما رام‌حال امروز، دیگر بر پایه اجبار و دخالت نیست، بر اساس هوش رفتاری و احترام به طبیعت موجود زنده بنا شده است.

سایبورگ‌های ریز اما کارآمد

سوسک سایبورگ شاید فعلا فقط یک تجربه علمی باشد اما افق‌هایی که پیش روی ما باز می‌کند، خیال‌انگیز است. سوسک‌هایی که از ویرانه‌های زلزله برای شناسایی مصدومان عبور می‌کنند، یا ماموران ریزنقش در ماموریت‌های شناسایی و آمادۀ، دیگر فقط در فیلم‌های علمی-تخیلی وجود ندارند. همه این‌ها اما برای دور یک‌تکه مهم‌اند: وقتی علم به مرزهای شگفتی می‌رسد، با وجدان انسانی باید همراه باشد. کاری کنیم که حتی سایبورگ‌ها هم از مسیر طبیعت خود دور نشوند؛ احترام به حیات، حتی اگر سرسخت و کوچک و سوسک‌وار باشد.

هزار توی آزمایش، سوسک‌های باهوش

داستان وقتی جذاب‌تر می‌شود که می‌فهمیم این فناوری هم مؤثر است هم پایدار و قابل تکرار. پژوهشگران اوزاکا، سوسک‌های مجهز به این کلاه‌خودها را بیش از ۱۵۰ بار وارد مسیرهای پرپیچ و خم شبیه هزارتو کردند. نتیجه حیرتانگیز بود: ۹۴ درصد این سوسک‌های سایبورگ موفق شدند راه خروج را پیدا کنند، در حالی‌که تنها ۲۴ درصد سوسک‌های معمولی (بدون کلاه و هدایت)

سوسک با کلاه، بی‌نیاز از تیغ جراحی

ماچرا از این قرار است که تیم پژوهشی به رهبری دکتر کیسکه موریشیما، به جای آنکه سراغ دستکاری مغز سوسک‌ها یا تحریک الکتریکی عضلات‌شان برونند، روش‌هایی که هم برای جانور آسیب‌زا هستند و هم درازمدت‌کاری خود را از دست می‌دهند، تصمیم گرفتند مسیر انسانی‌تری را امتحان کنند. موریشیما می‌گوید: «به جای آنکه کنترل مغز سوسک را به‌دست بگیریم، فقط از

به مناسبت روز جهانی همبرگر

لبخند پنهان میان دونان

تاریخچه همبرگر پر از روایت‌های مختلف و جذاب از فرهنگ‌های گوناگون است

بی‌چون و چرایش باشد: ساده، صمیمی و ساندویچ نباشید، یک همبرگر خوش‌عطر و وسوسه‌کننده در یک عصر بهاری یا تابستانی، همیشه جایی در قلب آدم باز می‌کند. هر سال ۲۸ ماه مه، جهان به بهانه «روز جهانی همبرگر» بی‌هیاهو با شکوه به این ساندویچ افسانه‌ای سلام می‌دهد؛ قصه‌های عاشقانه یا قهرمانی، تاریخچه‌های مبهم و پرحاشیه دارد. آیا واقعا زادگاه این ساندویچ، شهر هامبورگ آلمان است؟ یا ناشی وامدار خط کششیرانی هامبورگ-آمریکاست که در قرن نوزدهم ساندویچی شبیه همبرگر را در کشتی‌هایش سرو می‌کرد؟ یا باید ردش را در گوشه و کنار

حتی اگر هیچ وقت اهل فست‌فود و ساندویچ نباشید، یک همبرگر خوش‌عطر و وسوسه‌کننده در یک عصر بهاری یا تابستانی، همیشه جایی در قلب آدم باز می‌کند. هر سال ۲۸ ماه مه، جهان به بهانه «روز جهانی همبرگر» بی‌هیاهو با شکوه به این ساندویچ افسانه‌ای سلام می‌دهد؛ قصه‌های عاشقانه یا قهرمانی، تاریخچه‌های مبهم و پرحاشیه دارد. آیا واقعا زادگاه این ساندویچ، شهر هامبورگ آلمان است؟ یا تا کافه‌های کوچک هامبورگ، از جشن‌های خانوادگی در حیاط خانه تا رستوران‌های لوکس و برزرق و برق.

همبرگر را نمی‌شود صرفا یک غذا دانست؛ یک تجربه است، یک خاطره دسته‌جمعی، و حتی گاهی عاشق شدن. شاید همین را ز محبوبیت



عکس روز

پناهگاهی میان گلوله‌ها

در حاشیه شهر کولیاکان مکزیک، گروهی از دامپزشکان در حال جابه‌جایی یک ماده‌شیر هستند؛ حیوانی که همراه ده‌ها ببر، میمون و حتی فیل، سال‌هاست در پناهگاه حیوانات استوک (Ostok Sanctuary) زندگی می‌کند. این پناهگاه مأمی‌رای برای حیوانات مصدوم‌شده از کار تل‌هال مواد مخدر و حیوانات سیرک‌های رها شده است اما با شدت گرفتن درگیری‌های خونین میان باندهای رقیب در سینالوآ، امنیت این حیوانات هم به خطر افتاد. حالا امید به فردایی بهتر، با تلاش انسان‌هایی زنده‌است که بی‌وقفه برای نجات جان حیات‌وحش می‌کوشند. عکاس: فلیکس مارکز

یک شعر یک صدا

یابک نبی

مرغ بی‌لانه‌ام و شر شر بارانی تو
خاک بی‌حاصلم وابر بهارانی تو
غم هرگز نرسیدن به دلم خواهد ماند
عاری خست‌دام و طول خیابانی تو
سرنوشت من و تو تا به ابد دوری بود
پسر وعیتم و دخترک خانی تو
هر دو هر چند ز یک خاک و دیاریم ولی
ارگ ویران منم و قالی کرمانی تو
گرچه یک عمر غزلخوان تو بودم اما
دیدهام با غزل غیر غزلخوانی تو

لگد به روزمرگی

بی‌ملاحظه‌های بی‌اعصاب

عبدالله مقدمی
شاعر و طنزپرداز

خان عمو شاکو و برزخی‌وارد خانه‌شدو بدون اینکه نگاهی به من بیندازد، لگدی را حواله پهلویم کرد و با خودش غر زد: «واقعا مردم بی‌ملاحظه شدن!» همانطور که از درد داشتنم به خودم می‌پیچیدم، گفتم: «شما که ما را خوب ملاحظه می‌فرمایید. مرسی آ!» گفتم: «عه!برادرزاده جان!تو اینجا؟» فکر کردم نیستی.» گفتم: «اگر من نباشم شما لگد مبارک را به کی می‌زنید؟» گفتم: «راست می‌گویی. عزیزم! واقعا مرسی که هستی... آخر بعضی‌ها برای آدم اعصاب نمی‌گذارند که بندگان خدا یک‌دیره آداب معاشرت شهری بلد نیستند.» گفتم: «کی‌ها؟» گفتم: «همه مردم، نه سلام کردن بلدند، نه جواب سلام دادن، نه تشکر کردن و نه هیچی دیگر. حتی بلد نیستند وقتی یکی دارد رفتار مودبانه می‌کند، بی‌سروصدا کنار بایستند و نگاه کنند و یاد بگیرند.» گفتم: «حالا به این افتضاحی هم که شما...» حرفم را برید و گفتم: «شما کدام پهلویت لگد نخورده؟» گفتم: «حالا که فکرش را می‌کنم می‌بینم هست... حتی بدترش هم است.» گفتم: «فرین! اصلا تو بگوا وقتی من در خیابان یک بزرگ‌تر را که آشنایم هم است می‌بینم، نباید بهش سلام کنم؟» گفتم: «چرا» گفتم: «خب پس چرا مردم اعتراض می‌کنند؟» گفتم: «یعنی مردم را هگذاز آمدند و به شما اعتراضی کردند که چرا به یکی از آشناهای‌تان سلام کردید؟ مگر می‌شود؟» گفتم: «حالا که شد. من واقعا متوجه نمی‌شوم ملت چرا می‌گویند: اول ماشینت را پارک کن بعد برو جایی سلامتی کن. خب تا من جای پارک برای ماشین پیدا کنم که طرف فتنه!» گفتم: «یعنی شما ده، دوازده ثانیه مردم را معطل کردید تا آشنای‌تان جایی سلامتی کنید؟» گفتم: «نه بابا ده ثانیه نشد که... حدود کمتر از ده دقیقه‌شد. بنده خدا پیر بود، وسط خیابان هم ترده‌کشی بود. مجبور شدیم هر کدام‌مان تا وسط خیابان باییم و از لای ترده‌ها روبوسی کنیم!» گفتم: «یعنی اینکه واجب بود؟» گفتم: «بین یک ساعت است من برای کی دارم قصه تعریف می‌کنم. خب خود تو هم که رفتار مودبانه را بلد نیستی. معلوم است که واجب بود... آدم باید آداب معاشرت بلد باشد.» تسلیم‌شدم و چیزی نگفتم. اما در نهایت طاقت نیاوردم و گفتم: «خب توی این ده دقیقه ماشین‌های پشت‌سری شما چکار می‌کردند؟» گفتم: «هیچی، اولش کلی بوق زدند و اعتراض کردند اما بعد که خسته شدند، نشستند و قشنگ یک دل سیر آداب معاشرت یاد گرفتند.»

یک دقیقه زندگی

کتاب‌های نخوانده، سند آرزوهای ناتمام ما

ازاده ابوطالبی
هفت صبح

گاهی به قفسه‌های کتابم نگاه می‌کنم و حس می‌کنم میان برگ‌های بی‌روح خورده، خنثه‌ای از رویاهای نیمه‌تمام ساخته‌ام. قفسه‌هایی که گاهی در عصرهای بی‌حوصله، بی‌هدف جلوی‌شان می‌ایستم، با انگشتش جلد‌ها را لمس می‌کنم، غبار بعضی‌شان را می‌زدایم و اسم نویسنده‌ها را، بی‌آنکه به یاد بیاورم دقیقا چرا و کی، با صدای آهسته زیر لب زمزمه می‌کنم: «این را روزی باید بخوانم.» اما آن «روزی» را هیچ تقویمی نشان نمی‌دهد. عجیب است. ما آدم‌ها، کتاب‌های می‌خریم که شاید هرگز به خواندن‌شان نرسیم. در راهروی کتاب‌فروشی‌ها، میان قفسه‌های رنگارنگ باحتی با یک کلیک، جلد‌های اسم‌ها وسوسه‌مان می‌کنند. هر خرید، شبیه شروع یک رابطه تازه‌است؛ هیجان‌انگیز، سرشار از آرزو، پر از قول و قرار. اما همانطور که دوستی‌هایی هستند که هیچ‌وقت به جایی نمی‌رسند، کتاب‌هایی هم هستند که سرنوشت‌شان، خاک خوردن در قفسه‌های ساکت خانه‌است.

شاید فکر کنید آدمی که کتاب می‌خرد و نمی‌خواند، تنبل است یا کمی اهل ظاهر. اما نه، واقعیت پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. ما کتاب نمی‌خریم تا نخوانیم، بلکه می‌خریم تا رویا بباییم. خریدن کتاب، وعده دادن به آینده‌ای است که قرار است بهتر از امروزمان باشد؛ آینده‌ای در آن بالاخره فرصت خواهیم داشت آرام روی صندلی بنشینیم، چای بخوریم و بی‌دغدغه، کلمات را مثل دانه‌های نقل بر زبان بچرخانیم. کتاب نخریده، یعنی به فردای روشن‌تر ایمان نیاورده‌ایم.

این کتاب‌های نخوانده، در حقیقت سند امیدواری‌های کوچک ما هستند. سند اینکه ما هنوز تسلیم روزمرگی نشده‌ایم. هنوز ته دلمان فکر می‌کنیم روزی می‌رسد که زمان و ذهن‌مان آرام‌تر می‌شود. برای همین، سراغ زمان‌های کلاسیک می‌رویم، فلسفه می‌خریم، شعرهای سنگین یا حتی کتاب‌های آشپزهای که شاید حتی یک دستور ازشان امتحان نکنیم. هر کدام تکه‌ای از زندگی‌ای هستند که آرزو داریم، یا تصویری از خودمان که دوست داریم یک روز باشیم.

گاهی، کتاب نخردن خیلی ترسناک‌تر است. یعنی دیگر حتی خیال ساختن هم نداریم، حتی به خودمان هم قوی نمی‌دهیم. کتاب نخریده، یعنی پذیرش بی‌هیجانی و تکرار. این وسط اما یک وسوسه پنهان هم هست: کتاب‌های نخوانده، تصویری شکل و دل‌فرب از ما به دیگران نشان می‌دهند. مهمان که می‌آید، قفسه‌ها داستانی می‌گویند از سلیقه و علائق ما؛ از جاه‌طلبی فکری تا لطافت روح. شاید حتی کمی ظاهر باشد، اما مگر آدمیزاد چندبار فرصت دارد خودش را دوباره بسازد، حتی به ظاهر؟ قفسه کتاب، شاید صحنه تئاتری‌ست که هر بار نقش تازه‌ای در آن بازی می‌کنیم. این کتاب‌های نخوانده، شاید همان دوستان بساکتی باشند که باید حضورشان را پذیرفت و دوست‌شان داشت. هیچ‌کس همه کتاب‌هایش را نمی‌خواند. هر کدام سهمی در شکل دادن به ما دارند؛ حتی اگر باز نشوند، حتی اگر فقط بخشی از یک آرزوی بزرگ‌تر باشند. شاید کتابی، روزی از قفسه برداشته شود؛ شاید هم نه. اما همین که هست، یعنی ما هنوز می‌خواهیم امید داشته باشیم، هنوز دوست داریم انتخاب کنیم، هنوز به فردا ایمان داریم. کتاب‌های نخوانده، بخشی از زندگی نخوانده ما هستند. و مگر نه اینکه زندگی، همیشه قصه‌هایی دارد که هنوز نوبت خواندن‌شان نرسیده‌است؟